

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۳

جمعه ۲۲ شهریور ۱۳۹۸، ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۹

## حکومتی که به هراس افتاده است

شهلا دانشفر

صفحه ۵

## هفت تپه و صف درهم ریخته حکومت

گفتگوی تلویزیون کانال جدید  
با حمید تقوایی

صفحه ۲

## میزگرد درباره بیانیه آزادی

گفتگوی کیوان جاوید با شعله پاکروان و مینا احدی

صفحه ۶

## روزنامه بیلد: مینا احدی از دولت آلمان می خواهد جمهوری اسلامی ایران را بایکوت سیاسی کند

گزارشی از مینا احدی در باره حضور در مهمانی روزنامه بیلد

صفحه ۱۱

## سحر در آتش آپارتاید جنسیتی سوخت

خلیل کیوان

صفحه ۱۲

## بیانیه آزادی

صفحه ۱۲

## نگ و نفرت بر حکومت اسلامی و آپارتاید جنسیتی اش

اجازه ملاقات او با خبرنگاران را در بیمارستان به دلیل امنیتی! بودن این پرونده ندادند. جمهوری اسلامی مسبب خودسوزی و مرگ سحر ۲۹ ساله است.

ادامه در صفحه ۱۳

اعتراض به این حکم، به این بیحقوقی و رفتار جنایتکارانه حکومت با او هفته پیش دست به خود سوزی زد و متأسفانه روز گذشته ۱۸ شهروید در بیمارستان سوانح و سوختگی در تهران جان باخت. جنایتکاران حتی

جمهوری اسلامی یک جنایت دیگر آفرید. سحر خدایاری دختر جوانی را که با تغییر قیافه وارد استادیوم ورزشی شده بود تا بازی مورد علاقه اش را تماشا کند، دستگیر کردند و سپس به شش ماه حبس محکوم کردند. در

## مجازات سنگین علیه بخشی و

## حامیان هفت تپه از وحشت حکومت است

محبوب کارگران هفت تپه و دیگر بازداشت شدگان پرونده هفت تپه و نشریه گام جهت ابلاغ حکم به بیدادگاه اسلامی منتقل شدند و احکام زیر به آنها ابلاغ شد:

ادامه در صفحه ۱۳

زندان برای کارگران و فعالین اجتماعی را با یک چرخش قلم افزایش میدهند و خیال میکنند میتوانند حکومتشان را از انقلاب و سرنگونی نجات دهند. امروز شنبه ۱۶ شهریور اسماعیل بخشی رهبر

بالاخره حکومت اسلامی مجازات اسماعیل بخشی و حامیان کارگران هفت تپه را اعلام کرد. یک مشت جنایتکار و دزد و چپاولگر بعنوان قاضی و دادگاه نشسته اند و اعداد سالهای

اصغر کریمی

## وقتی که بالایی ها دیگر نمی توانند!



احکام سنگین برای کارگران هفت تپه کارنامه تلخ قوه قضاییه است، یکی دیگر از نمایندگان مجلس گفت احکام اخیر نشان از آن دارد که رویکرد رئیسی بسیار خشن تر از اسلافش است. رئیس کل دادگستری حکومت در خوزستان گفت احضار ۴۱ کارگر هفت تپه به دادگاه نیز بر خلاف فضای مدیای اجتماعی برای اعلام ادامه در صفحه ۴

احکام سنگینی که به اسماعیل بخشی، محمد حنیفر، سپیده قلیان و دیگر حامیان هفت تپه صادر کردند، جامعه را مرعوب نکرد، خود حکومت را به وحشت انداخت. رئیسی گفت تجدید نظر میکنیم. وزیر کار بلافاصله به رئیسی نامه داد، از تجدید نظر در احکام استقبال کرد و گفت اعتراض حق کارگران است! سخنگوی قوه قضاییه گفت ۱۷ سال و ۱۸ سال واقعیت ندارد منظور ۵ سال و ۷ سال است، معاون روحانی و وزیر کار و وزیر دادگستری بلافاصله کمیسیون تشکیل دادند تا فکری به حال این احکام بکنند، شورای مرکزی خانه کارگر هم فوراً جلسه اضطراری گرفت و در نامه به رئیسی گفت که انصاف رعایت نشده است، یکی از نمایندگان مجلس گفت

### مراسم گرامیداشت

صدیق کمانگر و غلام کشاورز

یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور)

از ساعت ۱۳:۳۰

Skarpnäck Kulturhus

Skarpnäck alle 25

Skarpnäck 12833

پس از پایان مراسم ساعت ۱۶

حرکت بطرف مزار غلام کشاورز

برای نصب سنگ سنگدردی

استکهلم- سوئد

(کمپین سنگهای سنگدردی)

## اطلاعیه ها در صفحات ۱۱ تا ۱۲

## هفت تپه و صف درهم ریخته حکومت

گفتگوی تلویزیون  
کانال جدید با حمید  
تقوایی



**کیوان جاوید:** همانطور که همه میدانند حکم های سنگینی علیه فعالین کارگری در اعتصاب هفت تپه و حامیان این اعتصاب صادر شده است. حکومت میخواست این پیام را به مردم بدهد که با شدت و با اشد مجازات به هر اعتصاب و اعتراضی برخورد خواهد کرد. اما رئیس قوه قضائیه یک روز بعد اعلام کرد این احکام سنگین است و تناسب ندارد و حتی در صفوف حکومت در مجلس اسلامی هم به سنگین بودن این احکام عکس العمل نشان داده اند. در همین رابطه می خواهیم نظر حمید تقوایی را بپرسیم.

حمید تقوایی این اولین بار نیست که حکومت چنین احکام سنگینی را برای فعالین جنبش کارگری صادر کرده است، ولی اولین بار است که بلافاصله از درون خود حکومت به سنگین بودن این احکام اعتراض میشود. نمایندگان مجلس و حتی رئیس قوه قضائیه به سنگین بودن این احکام اعتراض میکنند. دلیلش چیست؟

**حمید تقوایی:** علتش این است که جمهوری اسلامی موقعیت گذشته را کاملا از دست داده است. کارگران و توده مردم معترض این امکان را از حکومت گرفته اند که با چنین احکام شداد و غلاضی جامعه را مرعوب کند و پایش هم بایستد. حکومت دیگر قادر به ارباب جامعه نیست،

نه تنها قادر نیست بلکه هر حرکتی علیه کارگران، علیه زندانیان سیاسی و علیه فعالین جنبشهای اعتراضی انجام میدهد، فوری به عکس خودش تبدیل میشود و هراس حکومت هم از همین است. اینها به دست و پا افتاده اند چون میدانند چنین احکامی با اعتراضات وسیع مردم معترض، کارگران، جوانان، زنان و غیره روبرو خواهد شد. بلافاصله بعد از اعلام این احکام در مدیای اجتماعی موج گسترده اعتراض شکل گرفت و حکومتی ها را به دست و پا انداخت. اینها میدانند که هر حرکت سرکوبگرانه آنها میتواند به یک اعتراض عمومی، وسیع، رادیکال تبدیل شود و تیشه به ریشه جمهوری اسلامی بزند. بنظر من موقعیت امروز حکومت چیزی شبیه حکومت شاه در سال ۵۶ است. آن موقع هم شاه احکام شداد و غلاضی علیه هر کس که دستگیر میکرد اعلام میکرد ولی یک سال بیشتر طول نکشید که همه زندانیان سیاسی بقدرت اعتراضات مردم آزاد شدند و تمام آن تلاشهای حکومت شاه نقش بر آب شد. حکومت اسلامی هم بنظر من در یک چنین موقعیتی قرار گرفته است.

**کیوان جاوید:** ویژگی های اعتصاب و مبارزات کارگران هفت تپه، و بدنبال آن دستگیری و محاکمه فعالین

پیدا کرد و کل جامعه را با خودش همراه کرد. به این معنا هفت تپه به پرچم اعتراض رادیکالی تبدیل شده فقط از طرف کارگران بلکه به نمایندگی از توده مردم. از طرف آنهایی که امروز نود و نه درصدیها نامیده می شوند، مردمی که از حاکمیت یک مشت انگل و مفت خور سرمایه دار، آیت الله میلیاردر و اعوان و انصاررشان و غیره به تنگ آمده اند و میخواهند همه اینها را بزیر بکشند. هفت تپه نماد و سمبل این جنبش شد و به این معنا جنبش کارگری در راس جنبش سرنگونی قرار گرفت.

آنچه امروز بعد از محاکمه فعالین هفت تپه شاهدیم ادامه آن حرکتی است که ما در طی اعتصاب هفت تپه دیدیم. استیصال این حکومت، ترس و رعب شان از پیشروی این مبارزه و این به هم ریختگی صفوفشان هم در آن دوره بود و هم در این دوره. این را باید در امتداد آن اعتصاب قدرتمند و یک گام بلند به جلو از جانب جنبش کارگری در راس حرکت مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی دانست.

**کیوان جاوید:** فعالین و رهبران اعتصاب هفت تپه چطور عمل کردند، چه کارهایی کردند که دیگر اعتصابات کارگری به آن کمتر پرداخته بودند؟ اگر ممکن است در مورد ویژگیهای اعتصاب هفت تپه بیشتر توضیح بدهید.

**حمید تقوایی:** اعتصاب و مبارزات کارگران هفت تپه چند خصوصیت اساسی داشت. یکی اینکه همانطور که اشاره کردم هفت تپه خانواده های کارگری و کل شهر را در حمایت از اعتصاب به حرکت در آورد، از یک

اعتصاب در چهار چوب کارخانه یا مرکز تولیدی نیشکر فراتر رفت و تبدیل شد به یک حرکت اعتراضی، به یک مارش خیابانی در کل شهر. مدیریت کارخانه و مقامات و امام جمعه شهر را به چالش کشید، وسیعا رسانه ای شد و مقامات حکومتی را مجبور کرد در رابطه با هفت تپه صحبت کنند، کوتاه بیایند یا خط و نشان بکشند و به ضد و نقیض گوئی بیفتند چون حکومت میدانست هفت تپه از یک حمایت عمومی برخوردار شده است.

نکته دوم این بود که کارگران هفت تپه خیلی رادیکال و صریح از زبان نماینده شان اسماعیل بخشی مدیریت کارخانه و سیستم حکومتی و کلا دولت مافوق مردم را عملا به زیر سوال بردند. خواستار اداره شورایی شدند و این خواست را اینطور معنی کردند که ما آقا بالا سر نمیخواهیم. این را مستقیما و صریحا در سخنرانیها و شعارهایشان اعلام کردند. گفتند ما مدیری نمی خواهیم که از بالای سر برای ما تعیین کند، ما دیگر نمی خواهیم زمام کارخانه را بدست بخش خصوصی یا دولتی یا هر کسی از بالا بدهیم، می خواهیم خودمان در دست بگیریم و خودمان اداره کنیم.

اداره شورایی در واقع زمینه و سابقه طولانی ای در جنبش کارگری و در جامعه دارد. انقلاب ۵۷ با شوراها آزادی را تعریف کرد، کل توده مردم و در راسشان کارگران خواهان اداره شورایی بودند، و جنبش شورایی به این معنا مهرخودش را در این جامعه بر جنبش کارگری و بر مبارزات توده ای برای تعیین تکلیف با آقا بالا سرها و حکومت بالای سر مردم کوبید. اعتصاب ادامه در صفحه ۲

از صفحه ۲

## هفت تپه و صف درهم ریخته حکومت

هفت تپه دوباره این شعار را مطرح کرد و روی میز گذاشت و تبدیل به یک گفتمان عمومی در جامعه کرد و این هم یک خصوصیت دیگر هفت تپه بود که آنرا تماما از دیگر برآمد های دیگر کارگری متمایز میکند.

**کیوان جاوید:** آیا این ویژگیهای اعتصاب در یک کارخانه و در یک شهر و تاثیرات سراسری آن تصادفی بود؟

**حمید تقوایی:** به هیچ وجه تصادفی نبود. ببینید تمام این تحول بر بطن یک جنبشی شکل گرفت که از ۹۶ با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و با شعاری خطاب به تمام جناح های حکومتی که تمام است ماجرا بمیدان آمد. این جنبش گرچه بعد از چند ماه خیزش و برآمد اولیه اش فرو نشست ولی به هیچ وجه تمام نشد بلکه ادامه پیدا کرد، عمیقتر شد، رادیکالتر شد و بخصوص جنبش کارگری که خودش در خیزش اولیه ۹۶ نقش زیادی داشت، در عرصه های مختلفی مبارزه را ادامه داد. ما با اعتصابهای سراسری معلمان، بازنشستگان، کارگران راه آهن، رانندگان کامیون، و تظاهرات خیابانی کارگران هپکو، که اعتراضشان با التیماتوم اخیرشان به حکومت دوباره آغاز شده است و کارگران آذربایجان هم با مارش خیابانی و سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی به آنها پیوسته اند، با جلوه های مختلف و گسترده ای از مبارزات کارگران روبرو بودیم. هفت تپه و گروه ملی اهواز دو نقطه اوج این حرکت بودند. بر این زمینه است که جنبش

کارگری اداره شورایی را مطرح میکند. این صرفا یک شعار صنفی کارگری نیست بلکه شعاری است که آینده و افق روشن و نوید بخشی را جلوی جامعه میگذارد. به این معنا که اعلام میکند باید زیر قدرت مافوق مردم زد و امور را خود مردم در تشکلهای شورایی در دست بگیرند.

**کیوان جاوید:** ربط جنبش اعتراضی و اعتصابات هفت تپه و همانطور که شما اشاره کردید فولاد اهواز به جنبش سراسری و جنبش سرنگونی چیست؟ چه رابطه ای بین مبارزات کارگری و اعتراضات بخشهای مختلف مردم بر قرار است؟

**حمید تقوایی:** بنظر من جنبش کارگری نشان داده است که در راس جنبش سرنگونی طلبانه توده مردم قرار گرفته است. هفت تپه و کلا اعتصابات کارگری که علیه فقر است، علیه استثمار است علیه بیکاری، تورم و گرانی هست و امروز باید گفت علیه چپاول و فساد مقامات و سیستم قضایی حکومت هست خواست و حرف دل همه مردم را منعکس میکند.

یک جنبه مهم هفت تپه این است که کلا سیستم قضایی را به چالش کشید. نه فقط امروز با این دادگاهها بلکه در همان دوره اعتصاب اسماعیل بخشی از زندان و شکنجه افشاگری کرد و مقامات را به مناظره دعوت کرد و سپیده قلیان با حمایت از بخشی و خواست علنی شدن بیدادگاههای حکومتی این حرکت را ادامه داد. به این ترتیب جنبش کارگری پرچمدار کل مبارزه علیه سیستم قضایی شد. و این حرف دل همه مردم است، تمام کسانی که عزیزانشان را جمهوری اسلامی به قتل

رسانده است، اعدام کرده است، ترور کرده است، تمام کسانی که عزیزانشان به زندان های طویل المدت به جرم های پوچ و تشکیلی پرونده های امنیتی دچار شده اند، همه اینها نمایندگی خودشان را در اسماعیل بخشی و اعتصاب هفت تپه پیدا کردند. به این معنا جنبش کارگری مشخصا به پرچمدار مبارزه علیه دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی، که به آن سیستم قضایی اسلامی می گویند، تبدیل شد و این یک رکن مهم جنبش سرنگونی است. شعار اداره شورایی نیز همانطور که اشاره کردم کل این حکومت را بچالش میکشد. به این اعتبار به نظر من هفت تپه حرف و خواست توده عظیم مردم علیه جمهوری اسلامی را مطرح میکند و در پیشاپیش جنبش توده ای برای سرنگونی حکومت قرار میگردد.

**کیوان جاوید:** یادمان هست که بعد از پایان "دولت اصلاحات" خاتمی، احمدی نژاد را آورده بودند و ادعایشان هم این بود که آمده است بزند و دهه ۶۰ دیگری برقرار کند. در مورد رئیسی هم همین حرف را میزدند. یکی از اعضای هیات مرگ در دهه ۶۰ را آوردند که بزند و عقب بنشانند. چه شد به این حال و روز افتاده اند و در رابطه با همین احکام بقول معروف به روغن سوزی افتاده اند؟

**حمید تقوایی:** همانطور که گفتم دیگر آن موقعیت را ندارند. وضعیت اینها را میتوان با موقعیت تیمسار ازهری در دوره انقلاب ۵۷ مقایسه کرد. او را آوردند که حکومت نظامی بپا کند و بزند و بکوبد. مردم در عرض یک

هفته سکه یک پولش کردند و هیچ غلطی نتوانست بکند. حالا هم همینطور است. کسی که عضو کمیته مرگ بوده و یکی از خونخوار ترین مقامات حکومت است و دستش به خون هزاران نفر آلوده است را آورده اند که به اصطلاح خط و نشانی بکشند و بگویند قوه قضائیه با شدت و حدت عمل خواهد کرد و غیره. چنین احکامی هم دادند، احکام ۱۸ سال و ۱۴ سال و شلاق و غیره. ولی بسرعت معلوم شد آن دوره چنین غلط کردنهائی گذشته است و این احکام تبدیل شد به موضوع بحث و جدل در میان خود حکومتی ها و رئیسی هم تبدیل به مترسکی شد که خود حکومتی ها هم دارند اتوریته اش را زیر سوال میبرند. صفوفشان به هم ریخته است بخاطر اینکه قدرت جنبش کارگری و قدرت اعتراضات مردم آنقدر هست که آن تعادل قبلی را به نفع صف مردم بهم زده است.

یک نکته را هم اینجا اضافه کنم که یک ویژگی مهم این حرکت چه در دوره اعتصاب هفت تپه و چه در این محاکمات است. در دوره اعتصاب هفت تپه بعد از دستگیریها شاهد بودیم که مقامات حکومتی از رابطه هفت تپه و گروه ملی اهواز با کمونیست ها صحبت کردند و اسم حزب کمونیست کارگری را آوردند و گفتند این حزب گسترش اعتراضات است و علیه کمونیستها مستند سازی کردند. که بسرعت با شعار مستند، شکنجه دیگر اثر ندارد روبرو شدند و مستندشان هم تبدیل به یک مضحکه ای علیه خودشان شد.

امروز هم در جریان محاکمات رسانه های حکومتی اعلام کردند که متهمین هفت تپه با "گروهک کمونیست کارگری"

رابطه داشته اند. وقتی کسی از یکسو به حزب کمونیست کارگری می گوید گروهک، و از سوی دیگر فعالین جنبش کارگری را به این حزب منسوب میکند تنها دارد خودش را مسخره می کند. این باعث بی آبرویی و بی اعتباری خودشان خواهد شد. نتیجه این نوع تبلیغات حکومتی علیه کمونیسم اعتبار و محبوبیت بیشتر حزب در جامعه است. واقعیت اینست که هر وقت جنبش کارگری سر بلند میکند و در مقابل این حکومت می ایستد شبخ کمونیسم و نقش کمونیسم و مشخصا در شرایط امروز، حزب کمونیست کارگری، حکومت را دچار عذاب میکند. ناگزیر است اعتراف کند کارگران معترض و محبوب در میان مردم با کمونیستها مرتبط اند. بنظر خودشان میخواهند به این ترتیب پرونده کارگران را سنگین کنند ولی این تلاشها به عکس خودش تبدیل می شود. این نشان میدهد که جنبش کمونیستی و مشخصا حزب کمونیست کارگری توانسته است کل این حکومت را چنان به چالش بکشد که حکومت ناگزیر است از زبان مقاماتش بیجا و با جا به هر بهانه ای کمونیست ها را محکوم کند. بنظر من به این معنا هفت تپه و پیشرویهای جنبش کارگری با خودش اعتبار و محبوبیت و نفوذ کمونیسم را اشاعه و گسترش میدهد.

**کیوان جاوید:** یک ویژگی دیگر هم این است که شخصیت های که بعنوان فعالین یا رهبران جنبش کارگری معروف بودند در حمایت از دستگیر شدگان هفت تپه پیام میدهند. از ادامه در صفحه ۴

از صفحه ۳

### هفت تپه و صف درهم ریخته حکومت

جمله پیامی که جدیداً جعفر عظیم زاده از زندان داده است. شما جایگاه شخصیت های جنبش کارگری و فعالیت هایشان را حتی از داخل زندان چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: این هم یک واقعیت خیلی جالب و شورانگیز در مورد جامعه ایران است که زندان و زندانی کردن فعالین به هیچ وجه مبارزه آنان را تمام نمی کند بلکه مبارزات آنان را به سطح دیگری میبرد. ما طی چندین سال گذشته بارها شاهد اعتراضات و صدور بیانیه های اعتراضی از درون زندانها بوده ایم. در همین مورد که شما اشاره کردید جعفر عظیم زاده قبل از اعلام این احکام طولانی، علیه این محاکمات کیفر خواست خیلی رادیکال و روشن و کوبنده ای از زندان صادر کرد که در مدیای اجتماعی پخش شد. بیانیه ای که حکومت را بخاطر بیدادگاه فعالین هفت

تپه و کلا تعقیب و بازداشت و محاکمه پیشروان جنبش کارگری با زبان قاطع و کوبنده ای محکوم کرده بود. جعفر عظیم زاده چند سال قبل در اول ماه مه علیه کل پرونده سازیهای امنیتی نیز دادخواستی از داخل زندان منتشر کرد که در جامعه تاثیرات زیادی داشت. او از همان موقع اعلام کرد که اینها که علیه فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی پرونده سازی امنیتی میکنند در واقع امنیت مفت خوران سرمایه دار را پاسداری میکنند. با مبارزات حق طبانه کارگران امنیت آنها به خطر میافتد نه

امنیت جامعه. و این یک حکم عمیق و رادیکال بود که از درون زندان از طرف جعفر عظیم زاده مطرح شد. حقیقتی که در مورد مضحکه محکمه فعالین هفت تپه نیز کاملاً صدق میکند. امروز چهره های جنبش کارگری مثل اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده و بسیاری دیگر از فعالین و رهبران جنبش کارگری از چهره های های محبوب در میان مردم هستند دقیقاً به خاطر همین نوع اطلاعاتی ها و بیانیه ها و همین نوع به چالش کشیدنهای کل حکومت از جانب رهبران جنبش کارگری به نمایندگی از کل طبقه کارگر و از جانب توده مردمی که میخواهند سر به تن این حکومت نباشد. این هم یک واقعیت شورانگیز و مهم در شرایط سیاسی ایران است.

**کیوان جاوید:** کل جنبشهای اعتراضی و در راس آنها جنبش کارگری چطور می توانند آن گام آخر برای تغییر بنیادی این اوضاع بجلو بردارند و ضربه نهائی را بزنند؟

**حمید تقوایی:** بنظر من حضور جنبش کارگری در سیاست و در عرصه جنبش سرنگونی در نهایت بوسیله حزب طبقاتی طبقه کارگر نمایندگی می شود. تحزب و جایگاه و نقش حزب برای به چالش کشیدن حکومت و برای اینکه در واقع پرچم طبقه کارگر برای رهائی کل جامعه را بلند کند مطلقاً حیاتی است. طبقه کارگر به حزب خودش احتیاج دارد برای اینکه بتواند جامعه را از شر حکومت سرمایه داری، حالا به شکل اسلامی یا هر شکل دیگری، آزاد کند. جامعه ایران با یکی از خونخوارترین، وحشی ترین

حکومت های سرمایه داری که دنیا به خودش دیده است روبرو است. و این حکومت می تواند و باید آخرین حکومت سرمایه داری در ایران هم باشد. پرچم این حرکت، پرچم انقلابی که علیه کل این وضعیت، و علیه کل این نظام موجود شکل میگیرد در دست طبقه کارگر و در دست حزب طبقاتی طبقه کارگر است که امروز ما آنرا در هیات حزب کمونیست کارگری ایران می بینیم.

این به اصطلاح منسوب کردنهای اعتراضات کارگری به حزب کمونیست کارگری تصادفی نیست بلکه بیانگر حقیقتی است که زمینه های سیاسی و عینی در جامعه دارد. این بخاطر این نیست که جمهوری اسلامی فقط دارد پرونده سازی میکند. قبلاً هم این نوع پرونده سازیها وجود داشت اما آنها را به منافقین و یا به هر نیروی دیگر مربوط میکردند. اما حکومت امروز خودش را ناگزیر می بیند کمونیست ها و مشخصاً کمونیسم کارگری را هدف تبلیغات خودش قرار بدهد. این یک واقعیت را نشان میدهد؛ این واقعیت که طبقه کارگر با قدرت در سیاست حضور دارد، در جنبش سرنگونی حضور دارد و حزب ما این را نمایندگی میکند.

من فکر میکنم انقلابی که در ایران شکل می گیرد یک انقلاب جامع و عمیق و ریشه ای سوسیالیستی است نه تنها علیه حکومت اسلامی سرمایه بلکه علیه هر نوع دولت و نظام طبقاتی مافوق مردم. شعار اداره شورایی این حقیقت را به روشنی بیان میکند.

**با تشکر از طه حسینی  
برای پیاده کردن متن این  
مصاحبه.**

از صفحه ۱

### وقتی که بالایی ها دیگر نمیتوانند!

حکم منع تعقیب به آنها بوده است.

عکس العمل مقامات و نهادهای مختلف حکومت در دفاع! از محکومین و علیه تصمیم قوه قضاییه ادامه دارد! هرکدام از مجلسیان و دولتیان و حتی روسای قوه قضاییه تلاش میکنند خود را در پیشگاه مردم تبرئه کنند. همه مدافع کارگر و اعتراض کارگر شده اند! اکثر آنها به گروههای خارجه نشین! هم اشاره میکنند و ترسشان را از سوء استفاده! آنها پنهان نمیکنند. ترس حکومت از آن. این میگویند باید به مشکلات کارگران رسیدگی کنیم که گروههای خارجه نشین! در هر مساله ای مجبورند به آن نتوانند به مقاصد خود برسند. اشاره کنند.

صحنه های جالبی جریان دارد. در پرونده ای چنین حساس که خودشان میدانند تمام جامعه به آن حساسیت دارد، این احکام با یک نقشه و برای تعرض جامعه و خیزش با توافق رئیسی و سایر سران قوه قضاییه صادر شده است تا بعداً چند ماه دیگر و در فضایی آرام رئیسی بعنوان نماینده فراخوانی به جامعه است که با رافت اسلامی! در دادگاه تجدید نظر خواهان تخفیف شود. اما این سناریو یک روز هم دوام نیاورد. حکم را صادر کردند اما وحشت همه آنها را فراگرفت و موجی از نامه نگاری ها و تشکیل جلسه دادن ها بلافاصله پس از اعلام این احکام شروع شد و سناریوی آنها بهم خورد. این در مقابل خود ندید که با دستگیری فعالین و احکام سنگین علیه آنها، مرگ خود را عقب بیندازد. اما حکومتی که در بحران لاعلاج فرو رفته است، هر کاری میکند به ضد خودش تبدیل میشود. شبیه یک روز شدت عمل بخرج میداد و روز بعد عقب نشینی میکرد و جامعه هم شدت عمل

و هم عقب نشینی را به عقب نشینی بیشتر حکومت تبدیل میکرد. این وضعیت حکومتی است که راهی برای خروج از بحران و بن بستهایش ندارد.

این اتفاقات بر حقایق مهمی تاکید میگذارد:

جنبش کارگری به نیروی قدرتمند و توفنده ای تبدیل شده است که هیچ درجه سرکوب و دستگیری مانع هرکدام از مجلسیان و دولتیان و حتی روسای قوه قضاییه سر کارگر قسم میخورند! تلاش میکنند خود را در حق دارد اعتراض کند. دوم، دوره ارباب پایان یافته است. دوره ارباب خود جنایتکاران شروع شده است. و سوم حضور کمونیسم و ترس حکومت از آن. این فاکتور غیر قابل محاسبه ای در میان حکومتی ها شده است. در هر مساله ای مجبورند به آن اشاره کنند.

عجز و ناتوانی در صفوف حکومت، تردیدها و شکاف هایشان و انتقاداتشان علیه ارگانهای حکومتی و سیستم قضایی، نشان میدهد که فضا برای تعرض جامعه و خیزش جامعه فراهم شده است. عقب نشینی مقامات حتی اگر از حرف فراتر نرود، قبل از هر چیز فراخوانی به جامعه است که با قدرت بیشتر جلو بیاید و پوزه حکومت و سیستم قضایی اش را به خاک بمالد. بالایی ها دیگر نمیتوانند به شیوه سابق حکومت کنند و پایینی ها هم این وضع را دیگر تحمل نمیکنند. هفت تپه ای ها، کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. رئیسی و مقیسه و کل سران حکومت باید پشت میز محاکمه قرار گیرند.\*

**زندانی  
سیاسی آزاد  
باید گردد!**

شهلا دانشفر

## حکومتی که به هراس افتاده است



درست یک روز بعد از اعلام حکم وحشیانه علیه اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و واکنش اعتراضی جامعه و ولوله ای که در درون خود حکومتیان افتاد و به غلط کردن افتادند، غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضاییه سراسیمه از صدور قرار منع تعقیب برای ۴۱ بازداشتی اعتراضات کارگری خوزستان و همچنین دستور ریسی جلال رئیس قوه قضاییه برای تسریع در تجدیدنظر "منصفانه" در احکام صادره خبر داد. ۴۱ کارگر گروه فولاد اهواز که در اعتراضات قدرتمند سال گذشته کارگران این کارخانه شرکت داشته و بازداشت شده بودند برای ابلاغ رأی نهایی صادر شده، طی پیامکی به شعبه بیستم دادگاه اهواز فراخوانده شدند. اما هنگامی که در صبح روز ۱۶ شهریور تعدادی از این کارگران به این شعبه مراجعه کردند به آنها اعلام شد که تا این لحظه رأی و احکام صادره در سیستم جهت ابلاغ ثبت نشده است و بعداً آنها را خبردار خواهند کرد. متعاقب این احضارها آنچنان فضایی از اعتراض در میان کارگران این کارخانه شکل گرفت - خصوصاً بعد از تکانی که اعلام احکام بازداشت شدگان هفت تپه در جامعه ایجاد کرد - فوراً عقب نشستند و در هفدهم شهریور سخن گوی قوه قضاییه خبر از تبرئه شدن این کارگران داد. این موضوع بیش از هر چیز نشانگر هراس و وحشت حکومت در برابر جامعه ایست

تفهیم شده است، در اینستاگرامش مینویسد: همسر من تمام عمرش را برای انسانیت تلاش کرده و امروز نمیتوانم شاهد این باشم که اتهام ترویج فساد و فحشا به او نسبت دهند. ترویج فحشا اینست که دختر دانشجو برای خرج بالای تحصیل خودمجبور به تنفروشی میشود. ترویج فحشا اینست که دختر ۱۰ ساله را به عقد مرد بزرگتر درمیآورند. آیا واقعا میدانید معنای فحشا چیست؟ جرم مریم برهم زدن امنیت ملی عنوان شده، مریم محمدی نظم کجا را بر هم زده که جرمش الان اینست.

فیروزه شرف الدین مادر اسرین درکاله، کارگر زندانی و یکی دیگر از فعالین ندای زنان ایران و مدافع حقوق زن در دفاع از دخترش اسرین و آرمانهایش در اینستاگرام خود سخن گفته و فراخوانش همبستگی با او را میدهد. او در اینستاگرامش در مورد اسرین چنین مینویسد: دخترم اسرین ۳۵ روز است که جوانیش را پشت میله های زندان گذرانده، به جرم اینکه از حق طلاق گفته که خودش سیزده سال از عمر و جوانیش را برای داشتنش جنگیده، جنگید برای داشتن حق حضانت فرزندش - جنگید برای رفتن به سر کار، جنگید برای دریافت حقوق ماهها کار کردن در کارخانه ها و جنگید... اگر تمامی اینها که حق طبیعی و شهروندی هر انسانیت، درست بود، صدای دخترم آتقدر درد نمی شد.

دخترم عاشق شادی و آرامش است. اما دنیایی که برای ما ساخته اند، دنیاییست پر از درد که نمیتوانی با شادی و آرامش زندگی کنی. هر روز صبح که از خواب بیدار میشوی تمام

گرفتاریها و قبضها و ندادیها و قسطهای پرداخت نشده و شهریه بچه و هزار و یک چیز دیگر به سراغ می آید و به تو یادآور میشود که پر از دردی که باید با همه آنها کنار بیایی. دخترم از خواسته ها و آرزوهایش گفت و از همه گرفتاریها که همه ما با آنها میجنگیم. حق دختر من زندان نیست. حق او یک زندگیه شاد و آرام در کنار خانواده اش است. صدای اسرین من باشید و اجازه ندهید برایش پرونده سازی کنند. او یک کارگر و سرپرست خانواده اش است که فقط دردهایش را فریاد زده. اسرین عزیزم، پاره تنم، جگر گوشه ام، نتیجه عمرم، امیدم را آزاد کنید. پاسخ مطالبات زنان زندان و پرونده، ساری نیست (برگرفته از گروه ندای زنان ایران).

- پدر آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق زن، مدافع حقوق کودکان کار و خیابان و علیه اعدام در مورد تایید حکم سه و سال و هفت ماه بیشتر برای فرزندش میگوید: "در روزگاری که سرزمین ما پر شده از دزد و مفسد اقتصادی و اختلاسگر، دیگر چه نیازی به انسانهایی امثال آتناهای من هست که آزاد باشند و موی دماغ مسولین تا به بی عدالتی اعتراض کنند. تا مبادا آبروی نداشته شون بر باد بره، اختلاسگرانی که خون مردم رو مکیدن، مفسدانی که با همان مال مردم وثیقه های چند صد میلیاردی میشوند و آزاد میشوند و به ریش ملت می خندند، افسوس در سرزمین ما کودکانی که بجای درس و تفریح و از کودکی خود لذت بردن باید برای گذران زندگی خود و خانواده و از نداری تن به هر کاری بدهند. از شیشه پاک کردن ماشین گرفته تا گل فروشی،

واکس زدن کفش مردم، و یا دختر بچه هایی بخاطر طرز تفکر و اعتقادات غلط ما بزور پای سفره های عقد می نشینن، افسوس دختر ۲۴ ساله من بخاطر فعالیتهای صلح آمیز و خیرخواهانه و بجرم حمایت از همین کودکان باید جوانیش در زندان بگذرونه و به انواع و اقسام بیماری دچار بشه. کسیکه این همه بیماری رو در زندان دچار شده و برای حداقل درخواستی که برای درمان به مسولین زندان فرستاده میشود مخالفت می کنند و اجازه درمان داده نمیشود. بقول اسماعیل بخشی یکی از کارگران هفت تپه که درود می فرستم برایش، گفت لعنت به این زندگی، که برای دفاع از حق و حقوق و حمایت از مردم مظلوم و کودکان کار باید بری گوشه زندان؟ اینست عدالت جمهوری اسلامی و مسولینی که دم از عدالت می زنند. انسانیت تنها واژه ای هست که ارزش بالیدن دارد، اگر دین ندارید انسان باشید و آزاده، درود بر آتنا عزیزم و آتناهای سرزمینم.

گفته های مسعود شرف الدین در مورد همسرش مریم محمدی، دل نوشته های فیروزه شرف الدین در مورد دخترش اسرین درکالی و سخنان حسین دائمی پدر آتنا، همه و همه مصادیق بارز احکام امنیتی را جلوی چشم میگذارند و این انسانیت است که در بیدادگاههای جمهوری اسلامی دارد به محاکمه کشیده میشود. این امنیت سرمایه داری حاکم است که در مبارزه مردم علیه توحش حاکم به خطر افتاده است. اما جامعه ایستاده و کوتاه نمی آید.

کارزار علیه امنیتی کردن

ادامه در صفحه ۱۰



## میزگرد درباره بیانیه آزادی

گفتگوی کیوان جاوید  
با شعله پاکروان و مینا  
احدی - ۳ سپتامبر ۲۰۱۹

**کیوان جاوید:** بیانیه آزادی را ۲۰ هزار نفرا امروز امضا کرده اند، حرکتی که سال قبل شروع شده و امروز ما خوشبختانه میتوانیم بگوئیم که بیست هزار نفر، عمدتاً از ایران، این بیانیه را امضا کرده اند. این بیانیه چه هست و چه تاثیر اجتماعی دارد و چه کاری در رابطه با این بیانیه آزادی صورت میگیرد. مهمانان برنامه مینا احدی و شعله پاکروان هستند. خوش آمدید به برنامه میزگرد. برنامه را با خانم شعله پاکروان شروع میکنم. شما اگر ممکن است درباره محتوای بیانیه آزادی برایمان توضیح دهید.

**شعله پاکروان:** اول با سلام به شما و مخاطبین این برنامه و به همه هموطنان عزیزم، محتوای این بیانیه که ۱۵ بند دارد بنظر من همه نیازهای جامعه مدرن را دربرمیگیرد؛ از بین بردن فقر و فلاکت و پرداخت حقوقها، توازن بین درآمد و هزینه ها تا برابری جنسیتی بین زن و مرد و حقوق همجنسگرایان و لغو تمامی احکام اعدام، سنگسار، لغو مجازاتهایی مانند قصاص، تعزیر و هر نوع شکنجه ای به اسم دینداری، و همچنین جدایی دین از سیاست، پاک کردن آموزشهای دینی از آموزش و پرورش و جداکردن قوه قضائیه که بنظر من خیلی مهم است و در دسترسی به عدالت ما را کمک میکند، اینکه قوه قضائیه مستقل بشود نه از قوای دیگر و نه تنها از نهادی مثل نهاد رهبری، بلکه مستقل از احکام دینی بشود و ما تازه بعد از

در مورد جامعه ای حرف میزنیم که در داخل ایران طومار خیلی امضا میشود با محتوای مختلف که بخشا تکه هایی از مسائل در آنها مطرح میشود. بنظر من این یکی از بیانیه های خیلی خوب است یعنی وقتی من حدود یکسال قبل در جریان قرار گرفتم که تعدادی دارند این بیانیه را دست به دست میخرانند و این بیانیه را من خواندم احساس خود من این بود که بقول خانم شعله پاکروان مساله ای نیست که در این بیانیه گفته نشده باشد در مورد زندگی ما مردم در ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، از بحث رفاه، از بحث برابری، آزادی اینکه هر کسی میتواند مذهب خودش را داشته باشد ولی مذهب باید از دولت و آموزش و پرورش جدا باشد، مذهب رسمی نباید باشد. در مورد همجنسگرایان من کمتر دیدم در رسانه های فارسی زبان که در این مورد فوکوس کنند در حالی که این یکی از مسائل مهم جامعه ایران است در مورد لغو کامل قانون مجازات اسلامی که باید ملغا بشود، اعدام نباید باشد، سنگسار نباید باشد، شکنجه نباید باشد، زندانی سیاسی نباید داشته باشیم، آزادی مطلق بیان باید داشته باشیم در حقیقت یک تصویری از یک آینده بهتر، انسانی تر که مردم بتوانند زندگی راحتتری داشته باشند را دارد این بیانیه مطرح میکند به این معنا در شرایط امروز ایران که مردم

دارند فکر میکنند که جمهوری اسلامی به بن بست کامل رسیده و امروز و فردا همه راجع به این حرف میزنند که این حکومت باید برود و بعدش چه می خواهد بشود. بنظر من این بیانیه را باید در دست میلیونها نفر در ایران دید که به همدیگر نشان میدهند و میگویند این چیزی هست که ما می خواهیم و این اتفاقی است که باید بیافتد. یعنی این حکومت باید برود. من فکر میکنم که این بسیار مهم است تا آنجایی که به جمع شدن امضاها برمیگردد، اساساً از ایران امضاها جمع شده است. خود این هم جالب است. مثلاً شما یک بیانیه را میفرستید در مهمونی ها در عروسی ها راجع بهش حرف میزنند و میخوانند بحث میکنند این خودش بنظر من آگاهی دهنده است، امید دهنده است و به این معنا وقتیکه بیست هزار امضا کردند، حتماً باید بی سی و رسانه های دیگر فارسی زبان به این توجه میکردند و فعالین این موضوع رامیبردند و با آنها مصاحبه میکردند.

**کیوان جاوید:** خانم پاکروان، مینا احدی اشاره کرد که در مهمانی ها و در مجامع این چنینی این امضاها جمع آوری شده است. واقعا اینطور است؟ این شیوه جدیدی است. فعالیت های سیاسی اینگونه معمولاً مخفی انجام میشد، از تجربه خودتان در مورد امضا جمع کردن بگوئید.

**شعله پاکروان:** در مورد این بیانیه آزادی فکر کنم نزدیک به صد نفر شاید هم بیشتر افراد بسیار عادی و معمولی از ایران اسمهایشان را به من دادند که من هم به مسئولین جمع آوری امضاها تحویل دادم. باور کنید بین این آدمها بقال بود، دانشجو بود، بیکار بود، پیرمرد و پیرزن بود، نوجوان بود. اینها آدمهایی هستند که وقتی از اکثریت خاموش حرف میزنیم، همین مردمی هستند که نه عضو حزبی هستند و نه رسانه دارند و نه اسمشان در جایی میآید. اما اینها گوشها و چشمهایی هستند که در این مملکت ما دارند فعالیت دیگران را می بینند و ارزیابی می کنند. به من چندین نفر از روستاهای شمال زنگ زدند، کشاورز بودند و اسمشان را به من دادند. ناگفته نماند که سه یا چهار نفر هم بودند که به دلایل خیلی قابل قبول من خودم اسامی شان را کمی تغییر دادم تا گرفتاری بزرگتری برایشان پیش نیاید. اینها آدمهایی بودند که در صف نانوائی درباره اش حرف میزدند، یعنی بیانیه آزادی. نمیگویم که در تمام ایران گسترده شده اما در جاهایی که رفتند این فعالین و این مبلغین، کسانی که امضا کردند، اینقدر به دلشان نشست که خودشان شروع کردند به فعالیت برایش. اینها آدمهای مختلف از پدر و مادر خودشان که امضای شان را گرفتند تا همسایه شان تا ادامه در صفحه ۷

از صفحه ۶

## میزگرد درباره بیانیه آزادی

بستگان دور و نزدیک شان. این خیلی روند خوبی است، یعنی کاری است که شاید احزاب نتوانند انجام بدهند، اما افراد گمنام که در رگهای جامعه جاری هستند و به تک تک خانه ها میتوانند سر بزنند، اینها دارند فعال میشوند و هر چه این مبلغین بیشتر شوند این بیانیه تعداد امضاهایش بالاتر میرود.

**کیوان جاوید:** مینا احدی شخصیت های خوشنام و مطرحی هم از همان ابتدا این بیانیه را امضا کردند تاثیر شخصیتها و فعالین خوشنام اجتماعی و سیاسی چگونه است؟

**مینا احدی:** طبعاً ما در مورد ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی حرف میزنیم که فعالین سیاسی و اجتماعی زیادی آنجا وجود دارد، من خیلی کنفرانس های بین المللی میروم. همین اواخر جایی بودم که از مراکش، تونس، از سودان، از کشورهای مختلف فعالین و فیلم سازهایی بودند، مثلاً ما یک فیلمی دیدیم که چطور مردم آنجا کار میکنند و بحث می کنند و هر چه مقایسه می کنیم می بینیم که در ایران هر چند حکومتی خیلی سرکوبگر است و مثلاً کسی را بخاطر حجاب به ۲۴ سال زندان محکوم می کنند، به شلاق فعالین کارگری را محکوم میکنند و غیره، با وجود این سرکوب، به نظر من یکجوری مبارزه پیش رفته که چهره های سرشناس در این جنبشهای اجتماعی وجود دارند، چهره علیه اعدام هست، چهره در دفاع از کارگران و تعداد زیادی در

دفاع از حقوق زنان، اینها بنظر من در کوران مبارزه و درگیری با حکومت اسلامی زندان رفتند و اعتصاب غذا کردند و غیره. اینها مورد احترام عمومی قرار گرفته اند. اینها خیلی فاکتور مهمی هستند در متحد کردن مردم، در آوردنشان به خیابان. وقتی ما این اسمها را در لیست میبینم بنظرم حتماً تاثیر مثبت دارد. تعدادی که اسمشان را شناخته اند از نزدیک اینها را دیده اند و تجربه کرده اند مبارزاتشان را، سخنرانی هایشان را و غیره، حتماً تاثیر دارد که تعداد بیشتری این بیانیه را امضا کنند.

**کیوان جاوید:** اما برسیم به صدها فعال. تجربه شما شعله پاکروان چه هست؟ چطور این همه فعال بیانیه امضا جمع میکنند و دیگران را به حرف های خودشان متوجه و جلب میکنند و این بیانیه را مال خودشان میدانند و از این خانه به آن خانه میروند، از این شهر به آن شهر میروند؟ این فعالین نقش شان چه هست و چگونه میتوان به هزاران فعال تبدیل شوند؟

**شعله پاکروان:** ببینید این بیانیه ماهیتاً خواسته هر فردی را در برمیگیرد؛ یعنی اگر من یک دانشجو هستم، خواسته من در این بیانیه هست، اگر فعال حقوق زنان هستم در این بیانیه هست، اگر یک آدم مذهبی هستم خواسته ام در این بیانیه هست، اگر یک بی بی خدا هستم باز هم خواسته ام در این بیانیه هست و اینکه نوید یک دنیایی را میده، یک کشوری یک جامعه ای را میدهد که همه ایرانی ها بتوانند کنار همدیگر تحت حمایت یک قانون انسانی زندگی کنند. در نتیجه وقتی

که افرادی میآیند با این بیانیه آشنا میشوند اینقدر دلنشین است، آنقدر ساده که خواسته های مهم ولی بزبان ساده مطرح شده که آدم احساس میکند که مال خودش است. من واقعاً بیانیه آزادی را نوشته ام اما احساس میکنم که صاحب این بیانیه هستم خیلی از فعالین خیلی از آدمهایی که بیانیه را امضا کردند خودشان تبدیل شدند به صاحبان این بیانیه. در نتیجه آدم احساس میکند که دارد برای خودش امضا جمع میکند، داره دیگران را به حرفهای خودش توجه شان را جلب میکند، این بیانیه تبدیل شده به یک پل به معنای واقعی بین گروه های مختلف، بین اقشار مردم ایران که چه حزب و سازمانی باشند چه آدم های مستقل.

**کیوان جاوید:** مینا احدی در سطح بین المللی چطور میشود که شخصیتهای بیشتری را جلب کرد، یا احزاب و نهادهای بین المللی و یا ایرانی را بیشتر جذب کرد؟ آیا در این زمینه شما کاری می کنید؟

**مینا احدی:** طبعاً این بیانیه با ۲۰ هزار امضا یک فورس سیاسی در ایران است. قبلاً هم ما طومار جمع کرده ایم، حداکثر پانصد نفر امضا کردند. بنابراین الان که از ۲۰ هزار نفر گذشته بنظر من تاثیر زیادی دارد که ما در دنیا بتوانیم توجه جلب کنیم و سمپاتی و همبستگی بین المللی را به این بیانیه جلب کنیم. شخصاً فکر میکنم که مضمون بیانیه آنقدر انسانی و متحد کننده و فراگیر هست که حتماً در سطح بین المللی شخصیت هایی دفاع خواهند کرد. بخاطر آنکه در ایران ۲۰ هزار نفر از آن دفاع کرده اند. از این به بعد کارهایی را باید

شروع کنیم. الان به دلیل اینکه در سطح بین المللی ما ارتباطات زیادی داریم، شخصیت های زیادی را می شناسیم، میتوانیم اینرا در دنیا تبدیل کنیم به یک قدرت و به یک حرکت سیاسی مهم، حتماً باید این کارها را انجام داد.

**کیوان جاوید:** به محتوای این بیانیه بپردازیم شعله پاکروان اگر از شما بپرسند که مهمترین بند این بیانیه کدام است شما روی کدام بند تاکید میکنید؟

**شعله پاکروان:** همه میدانند که من علیه اعدام نظرات مثبتی دارم. اما من فکر میکنم که بند حقوق برابر برای همه ایرانیان فارغ از مذهب، قومیت، فارغ از هر چیزی، زبان، تحصیلات یا خودی و ناخودی بنظر من برابر شدن همه مردم ایران در برابر قانون میتواند اساسی ترین بند این بیانیه باشد. هر چند که همه بندها یکی از دیگری بهترند اما این میتواند ضامن تمام آن آزادی ها باشد. **کیوان جاوید:** مینا احدی جدال مردم در ۴۰ سال گذشته برای آزادی بسیار مهم است. اگر در یک جامعه آزادی باشد، بقیه کارها را هم میشود انجام داد. چرا اسم این بیانیه آزادی است و چقدر این تعیین کنند است؟

**مینا احدی:** بنظرم مهم این است که ما در ایران حکومتی داریم که تمام آزادیهای را زیر پا میگذارد. سرکوب میکند. یعنی شما با حکومتی مواجه هستید که به نحوه راه رفتن، خندیدن، راجع به همه چیز نظر دارد و قانون دارد و سرکوب میکند، شلاق، زندان و شکنجه میکند تا این قوانین را پیاده کند. بنابراین نکته مهم این است که حکومت اسلامی کلاً باید

سرنگون شود و تمام عوارض و جوارچی که این حکومت نمایندگی میکرد را باید چیچی کرد و گذاشت کنار، مثلاً قانون مجازات اسلامی صد درصد کنار گذاشته شود، مثلاً اینکه زن و مرد برابر نیستند باید کاملاً کنار گذاشته شود. خیلی مهم است در شرایط امروز که فقر و فلاکت و قیمت هایی که ساعتی بالا میرود، ایران کشوری است که خنده عجیبه، یعنی دویست تا پانصد درصد قیمت یک کالا بالا میرود و هیچکس یعنی مسئولینی که سرکار هستند راجع به آن حتی حرف هم نمیزنند. مهمترین مساله ما این است که این حکومت کنار برود و مردم ایران آزاد باشند. من شخصاً به خود مردم، به تک تک انسانهایی که دارند در آن جامعه زندگی میکنند، خیلی اعتماد دارم. یعنی اگر این حکومت را بگذارید کنار آن مردم در این ۴۰ سال، یاد گرفته اند که آموزش بدهند، سیاست را یاد گرفته اند، انسانیت را یاد گرفته اند، بخاطر مبارزاتی که کرده اند در آن جامعه، واقعاً میشود یک زندگی انسانی را با اتکا به نیروی انسانی که آنجا وجود دارد، با نیروی میلیونی جوانها سازمان داد، آزادی، برابری، رفاه همه چیز امکان پذیر است و این بیانیه از آن حرف میزند.

**کیوان جاوید:** شعله پاکروان نهادهای مردمی معلمین، بازنشستگان تشکل های کارگری آیا به عنوان تشکل، نه بعنوان افراد، آیا شما از آنها حمایت میکنید؟ **شعله پاکروان:** من شخصاً اینکار را نکرده ام، ولی الان که شما میگویید بنظرم خیلی خوب است. ولی باید قبلش با مسئولینی که امضاها را جمع ادامه در صفحه ۸

از صفحه ۷

## میزگرد درباره بیانیه آزادی

آوری می کنند حتما صحبت کنم که آیا فقط اشخاص حقیقی هستند که این بیانیه آزادی را باید امضا کنند یا شخصیت های حقوقی مثل تشکلهای هم میتوانند یا نه.

**کیوان جاوید:** مینا احدی نظر شما چی است؟ تشکلهایی مانند کارگران هفت تپه، آنهایی که ما اسامی شان را، یا اسم کارخانه شان را بارها شنیدیم که چطور با نیروی زیادی به خیابانها آمدند و علیه این وضعیت فلاکت بار اعتراض سازمان دادند و یا معلمین و یا بازنشستگان، شما فکر میکنید آمدن این تشکلهای چه تاثیری دارد و چکار باید بکنیم؟

**مینا احدی:** بنظر من هم باید با آن دوستان صحبت کرد. ولی شخصا فکر میکنم که این خیلی خوب است. یعنی ما باید قدم های بعدی این بیانیه را روشنتر کنیم. یکی از قدم ها این است که از تسمه نقاله هایی که در آن جامعه وجود دارد و نفوذ دارند استفاده کنیم که بیشترین آدمها بیآیند و از این بیانیه دفاع کنند و برای قدم بعدی واقعا میتواند این باشد. پیشنهاد من هم به دوستانی که این کار را می کنند این است. تشکل های زیادی وجود دارند، تشکلهای دانشجویی وجود دارند تشکلهای کارگری در ایران وجود دارند تشکلهای دفاع از محیط زیست وجود دارند و تشکلهای مدافع حقوق زنان و سازمانهای مختلفی آنجا هستند که برای ۸ مارس بیانیه میدهند که بیست نهاد امضا میکند و یا در دفاع از حقوق کارگران بیانیه میدهند

و پانزده نهاد امضا میکنند من فکر میکنم باید رفت سراغ اینها و ما اگر بتوانیم اینها را بیاوریم یعنی بیست سی سازمان امضا کنند این حرکت خیلی رو بجلو خواهد شد و در خارج از کشور هم ما باید برویم سراغ نهادهای بین المللی و نهاد های مختلف مدافع حقوق انسانی که طرفدار مبارزات مردم ایران هستند و از آنها هم بخواهیم که دفاع کنند. و این خودش باعث میشود که این بیانیه قدمه رو بجلو بردارد و توجه افکار عمومی را در دنیا به خودش جلب کند.

**کیوان جاوید:** شعله پاکروان شما گفتید که بیانیه نقش متحد کنند دارد و مال همه مردم ایران است؛ مال زنانه، ماله همجنسگرایان است، مال کسانی است که علیه اعدام هستند، کسانی که آزادی میخواهند و رفاه میخواهند و برابری میخواهند، چون در بیانیه از طب رایگان تا تحصیل رایگان وجود دارد. خوب چطور میشود که همین را سعی کرد باز هم از اینکه هست گسترده تر کرد؟ جامعه ایران با بیست هزار امضا هرچند که خیلی مهم است! آیا در نظر دارید که طوری کار کنید که فوراً به دویست هزار امضا برسد؟ موانع این که نمیشود این طومار به دویست هزار امضا برسد، چه هست؟

**شعله پاکروان:** ببینید این بیانیه دارد نفر به نفر و چهره به چهره به جلو میرود. یعنی ما که رسانه ای که نداریم مثلاً بی بی سی آمده دربارش حرف زده، نصف مردم ایران در ماهواره میشوند. من و تو نیامده راجع بهش برنامه بساز. ایران انترناسیونال نیامده، صدای آمریکا هم همچنین. این حداقل رسانه ای - یعنی تلگرام - یعنی با

یک تلگرام ساده، این بیانیه به بیست هزار نفر رسیده و دونه به دونه صحبت شده با افراد. باید صحبت کنیم تا اسمشان را بدهند. بخصوص کسانی که در ایران هستند تا خطر کنند چونکه حکومت یک جو خفقان و رعب را ایجاد کرده که اگر من اسمم اینجا باشه شاید یارانه ام قطع شود. این ساده ترین اش است، یا از سرکار من را بیرون کنند و یا غیره. اینقدر باید این بحث ها ادامه پیدا کند. حرف زده بشود و اینقدر این آینده روشن را تصویر کنی برای آن فرد تا بپذیرد به اینکه حتی اگر یارانه من را قطع میکنند انجام این بیانیه ارزشش را دارد، بزار امضا کنم. این خیلی روند کار را کند میکند و فراموش نکنیم یکسال است که این بیانیه هزارو یک خبر درش آمده هزار و یک جنجال آمده. چیزهایی که توجه جامعه را به آنطرف برده. اما این بیانیه لاک پشت وار داره جلو میرود و هیچ کس جلویش را نگرفته هیچ خبری باعث نشده که بایستند و یا برای مدتی بگویم برایش کار نکنیم. این خیلی چیز مهمی است دونه به دونه داره صورت میگیره، مهم این است که رسانه های با تیراژ بیشتر و مخاطب بیشتر درباره این بیانیه صحبت کنند و ای بسا که تعداد امضاها به ناگهان خیلی هم بالا برود.

**کیوان جاوید:** اینرا باید بگویم که کانال جدید هم تا به امروز روی این بیانیه کاری نکرده. تبلیغی کرده است ولی نه به شکل روزمره. اینجا من قول میدهم از طرف کانال جدید که منظما در برنامه های تلویزیونی صحبت کنیم. برنامه درست کنیم. کلیپ هایی از این بندهای بیانیه آزادی را درست کنیم که در

پایان این برنامه، این خواسته ها بیآید و به سهم خودمان سعی میکنیم که فعالتر در این زمینه برخورد کنیم. در مورد رسانه ها، مینا احدی چرا رسانه ها آنطور که شعله پاکروان اینجا گفتند سکوت می کنند؟ آیا با مفاد این بیانیه مخالفت اصولی وجود دارد؟

**مینا احدی:** من سالهاست که در زمینه های دفاع از حقوق انسانی علیه اعدام و سنگسار کار می کنم. این رسانه ها که خانم پاکروان اسمشان را آورد معمولاً بی توجه بودند و معمولاً سعی کردند که اخبار مربوط به این نوع فعالیتها را پخش نکنند ولی اگر یکنفر اصلاح طلب و یا طرفدار یک بخش از حکومت اسلامی یک کاری میکند، من مطمئن هستم اگر ده نفر جمع بشوند از آن چهره هایی که همواره مهمانان بی بی سی و این رسانه ها هستند، یک بیانیه ای را امضا کنند فوراً به عنوان یک مساله خبری مهم در جامعه ایران مطرح میکنند. و بنظرم بخاطر اینکه مخاطب زیاد است در ایران، این رسانه ها یک سیاستی را دارند ازش دفاع میکنند. همین امروز هم دارند از یک سیاست مهمی دفاع میکنند. یعنی دفاع از بخشی از حکومت و اینکه حکومت اسلامی بماند سرکار. بخشی از این رسانه ها دولتی هستند. بودجه شان را از دولت مربوطه میگیرند و در عین حال من دیدم که یک بیماری در این رسانه ها هست؛ از دویچه وله گرفته تا بقیه چون که کارمندان شان را میشناسم، بیماری اصلاح طلبی و شخصیتهایی که از ایران فرار کردند و آمدند آنها را میبرند در آن سیستم و اینها از بخشی از حکومت دفاع میکنند و یا قبلاً از کلیت

حکومت دفاع میکردند. حالا از یک بخشی. این مهم است. باید آنها تحت فشار قرار داد. این رسانه ها، یعنی اگر همینطوری خبر را هم برایشان بفرستی، نفس اینکه خواسته ها مترقی و انقلابی است، و میگوید که این حکومت باید برود، نفس اینکه از حقوق همجنسگرایان دفاع میکند، همه اینها تاثیر دارد که اینرا بگذارند کنار و مطرحش نکنند. بنظرم یکی از کارهای ما بعد از این، همانطور که شما گفتید که کانال جدید فعالتر برخورد میکند و خودم هم سعی میکنم که بیشتر در این حرکت وقت بگذارم، یکی از کارهایمان باید همین باشد که رسانه ها را تحت فشار بگذاریم که چرا در مورد بیانیه ای به این مهمی، به این خوبی که بیست هزار نفر امضا کرده اند سکوت میکنند. آن رسانه ها موظف هستند که به افکار عمومی جواب بدهند.

**کیوان جاوید:** شما تاثیر متحد کنند این بیانیه را یکبار دیگر توضیح دهید چطور میشود هر کسی میتواند بیآید بگوید چون این بخش حرف من است و این بیانیه را قبول دارم یا اینکه کسانی همه بیانیه را قبول داشته باشند، چطور میشود که این بیانیه کل مبارزات و کل مردم را متحد کند؟

**شعله پاکروان:** ببینید الان چند نفر کارگر هستند که بخاطر خواسته های صنفی شان زندان هستند؟ خیلی زیادند؛ جعفر عظیم زاده، اسماعیل بخشی، علی نجاتی و خیلی های دیگر. صدها فعال کارگری در زندانند برای اینکه میگویند فقر دارد پدر ما را در میآورد، ما دیگه نمی توانیم حتی نان در سفره ادامه در صفحه ۹



از صفحه ۸

## میزگرد درباره بیانیه آزادی

هایمان داشته باشیم. چند میلیون ایرانی فقیر هستند؟ بیانیه اولین ماده اش این است رفع فقر و فلاکت. چند نفر فعال امور زنان در زندانها هستند؟ چند نفر برای حجاب اجباری حکم گرفته اند، چه شلاق و چه زندانهای طولانی. چند نفر مادر، مانند راحله احمدی، صبا کرد افشاری که میخواست عرش آسمان را به لرزه در آورد ۲۴ سال زندان دادند به دختر بیست ساله اش که آمده این شال را از سرش در آورده؟ وقتی که میگوید رفع اجبار در حجاب، رفع این جگوییها از مسائل شخصی، یعنی در واقع چشم دولت از توی خانه ها، از توی زندگی شخصی برود کنار. در واقع اینها آزاد میشوند. وقتی بیانیه میآید میگوید که تمام قوانین مذهبی تعطیل، تمام تعزیرها، اعدام سنگسار، شلاق همه باید لغو بشود... چند نفر الان زیر حکم قصاص هستند، چند نفر زیر حکم اعدام هستند اینها همه نجات پیدا میکنند. وقتی که میگوید انحلال تمام نهادهای سرکوبگر، تمام نهادهای امنیتی... شما ببینید مردم الان چقدر در فشار هستند از دست سپاه بعنوان نیروی تروریستی و سرکوبگر. نباید چهره سپاه را از نظر بین المللی نگاه کنیم. سپاه چنگ انداخته به سفره های خالی مردم. وقتی که اقتصاد ایران را در دستهایش قرار داده، وقتی که نفس کشیدن تحت نظر سپاه است، وقتی میآیند سدی را احداث میکنند که چند روستا زیر آب میرود و میلیونها هکتار زمین کشاورزی نابود میشود

و نمیتوانند جلویش را بگیرند، چون سپاه است، چون عنان گسیخته اینرا روی سر مردم ایران گذاشتند و به اسم سپاه و حفاظت سپاه و غیره یک عده ای هستند که مثل زالو به جان مردم ایران افتاده اند. اینها باید منحل بشوند. چه کسی از این استفاده میبرد؟ مردم وقتی آموزش و پرورش را میآید آزاد میکنند از مذهب یا از قوانین مذهبی، خیلی ها آزاد میشوند. حتی مردم مذهبی الان ناراضی هستند. بسیاری از مردم مذهبی و متدین فریادشان در آمده. چند نفر از مادران شهدا و یا همسران شهدا آمدند و گفتند که عزیزان ما رفتند در جنگ بمیرند که شاهد باشیم که مردم از گرسنگی کلیه هایشان را بفرشند. وقتی که شما این بیانیه را نگاه میکنید، اگر به مرحله اجرا برسد، که مسلما با وجود جمهوری اسلامی حتی یک بند از این بیانیه قابل اجرا نیست، بخاطر اینکه این در واقع ستون هایی هست که رویش جمهوری اسلامی بنا گذاشته شده است، جمهوری اسلامی روی سرکوب، روی اعدام، روی مسائل مذهبی بنا شده است، هر کدام از اینها را بخواهید از زیرش بکشید فرو میریزد. به همین دلیل است که بیانیه پلی است بین همه مردم.

**کیوان جاوید:** مینا احدی شما باید خوشحال باشید بخاطر اینکه شما یکی از قدیمی ترین و سرسخت ترین فعالین علیه اعدام هستید، همین حالا که اینجا صحبت می کنیم میتوانیم ریحانه عزیزمان را بیاد بیاوریم که چطور شما جنگیدید هر چند که متأسفانه نتوانستیم ریحانه را از چنگ این جانان نجات بدهیم و دیگر زندانیان سیاسی که شما برای زندگی

شان جنگیدید و بعضا نجات پیدا کردند یا سنگسار را در آن کشور بخاطر فعالیت های شما قطع شد، چقدر این بیانیه که شما خواسته هایی که برایش جنگیدید را تأمین کرده است؟

**مینا احدی:** طبعاً همه مبارزاتی که همه ما کردیم و نسل من سالهاست که واقعا از روزی که جمهوری اسلامی آمد سر کار علیه اش بودیم و ما زیادیم. همین بازنشستگی که میآیند جلو مجلس خیلی از آنها دوستان و آشنایان ما هستند که در ایران ماندند و زندگی کردند و از اول علیه جمهوری اسلامی بودند به این معنا ما کسانی بودیم که حتی یکروز هم زیر ضرب این حکومت نفس نکشیدیم، مخالفش بودیم و هیچوقت قبولش نداشتیم. بنابراین سالهاست که داریم مبارزه میکنیم. چیزی که من نوعی دارم نمایندگی می کنم این است که بشر یک بار به دنیا میآید و و حق دارد که آزاد زندگی کند. سرپناه داشته باشد. مجبور نباشد که از صبح تا شب دوندگی کند، فقط بخاطر یک لقمه نان و فراتر از این همه، ما یکبار بدنیا میآییم باید آزاد باشیم که عقایدمان را بگوییم، شادی کنیم، از زندگی مان لذت ببریم، هیچ قید و بند اخلاقی و مذهبی ارتجاعی روی زندگی مان، روی مسائل شخصی و خصوصی مان وجود نداشته باشه. ولی متأسفانه در طول این چهل سال ما مواجه بودیم با یک حکومت فاشیست اسلامی. هنوز جامعه ایران نمیداند که اینها چکار کردند. خیلی کم راجع به این چیزها صحبت شده است. اینها دختر را یکماد در تابوت گذاشتند که بگوید من عقایدم را زیر پا میگذارم. اینها زنان حامله را یا اعدام کردند

یا اینکه گذاشتند بچه به دنیا بیاید بعد اعدام کردند. به دختران جوان تجاوز کردند و گفتند که بعد از اعدام به بهشت نرود. ما با این هیولا، با این داعش طرف بودیم. و مبارزه ادامه پیدا کرده و بنظرم مردم ایران یاد گرفتند، از نظر فکری جلو آمدند. الان حکومت است که پوسیده و در حال فرو ریختن است. و پائین جامعه ای است که از آزادی، برابری و رفاه دفاع میکند. یعنی من اینرا کاملاً مطمئن هستم. من علیه اعدام مبارزه کرده ام و با خانواده هایی که واقعا در قعر جامعه بودند، برخی مانند خانواده خانم پاکروان هنرمند بودند، بعضی ها در آن جامعه تحصیل کرده بودند، ولی من با کسانی هم کار کردم که مادری که سواد نداشت، مثلاً مادر کبری رحمان پور و یا پدرش، ولی چنان از اینها یاد گرفتم، چنان انسانی رفتار میکردند که واقعا من بعضی اوقات بلند میشدم به احترام شان. در بدترین شرایط میگفت که اعدام بد است. در بدترین شرایط توهین نمیکرد. در بدترین شرایط حرفی که میزد سعی میکرد که با احترام با همه باشد. من واقعا از مردم ایران یاد گرفتم و فکر میکنم که این بند بیانیه برای من همین است. یعنی لغو مجازات اعدام و سنگسار و این وحشیگری هایی که جمهوری اسلامی اعمال میکند و به یک معنا، یکی از مهمترین معضلات جامعه ایران پاسخ میگیرد. نه فقط در دوره این حکومت، در دوره پهلوی هم، ما مواجه بودیم با مادرانی که به دنبال بچه هایشان میدویدند و اعدام میشدند. بنابراین، لغو مجازات اعدام یکی از خواسته های مهم جامعه ایران است و پیشروی بطرف جلو است.

**کیوان جاوید:** تأثیر این بیانیه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی چی هست؟ **شعله پاکروان:** من اطلاع زیادی از تاریخ سیاسی ندارم، اما اینرا میدانم که انقلاب فرانسه یک بیانیه داشت. یک چیزی شبیه همین بیانیه آزادی که در واقع دورنمای جامعه را پیش از انقلاب به مردم نشان میداد، که آگاهشان میکرد. ما هم اگر سال ۵۷ یک بیانیه آزادی داشتیم توقع مردم در واقع آموخته میشد، یاد میگرفتند، به آگاهی میرسیدند. ای بسا اگر ما سال ۵۷ بیانیه آزادی داشتیم، دیگه خمینی را در ماه نمیدیدیم، چون یکی از بندهایش مبارزه با خرافه پرستی و ترویج خرافه است. شما ببینید در فردای ایران رفتن جمهوری اسلامی - که بنظر من ناگزیر است - یعنی بدون شک جمهوری اسلامی حتی اگر کشورهای غربی که دارند باهاش مماشات میکنند و بعضاً از جمهوری اسلامی حمایت میکنند به حمایت هایشان ادامه بدهند، فشار مردم از داخل بلاخره جهان را به زانو در میآورد، تا دست حمایتشان را از پشت جمهوری اسلامی بردارند. وقتی که مردم ما از قبل، این بیانیه، این نمای ایران آینده را ببینند، در آینده هیچکس نمیتواند بیاید فریب شان بدهد و بگوید که حالا به اسم مذهب و یا به اسم حزب و یا مصلحت بگوید که حالا باید اعدام باشد یا اینکه الان در جنگ هستیم حالا مردم در فقر باشند، اشکالی ندارد. اینرا دیگر مردم نمیپذیرند. میگویند ما به پشتوانه این دورنما انقلاب کردیم و آمده ایم به خیابانها یک حکومت را ساقط کردیم که به این نقطه برسیم. در نتیجه از هیچکدام ادامه در صفحه ۱۰

از صفحه ۹

## میزگرد درباره بیانیه آزادی

از بندهای این بیانیه کوتاه نمی آیند و هیچکسی نمیتواند این سرکوبی که ما بعد از ۴۰ سال شاهدش هستیم که اعدام از همان روز اول انقلاب در پشت بام مدرسه خمینی شروع شد و تا الان دیگر شاهدش نخواهیم بود.

**کیوان جاوید:** مینا احدی شما تاثیر این بیانیه را بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی چطور می بینید هر چند خانم پاکروان خوب توضیح دادند؟

مینا احدی: من هم فکر میکنم یکی از مهمترین مسائلی که میتواند گاراتتی بدهد که بعد از جمهوری اسلامی آن حکومتی که بسر کار میآید چه سیاست و رفتاری را اعمال خواهد کرد همین آگاهی و اتحاد خود مردم است، همین الان هم در جامعه ایران گرایشات و جنبش های مختلفی وجود دارند و هر کس دارد میگوید که اگر قدرت برسم این کار را میکنم یا آن کار را نخواهم کرد. نکته ای که وجود دارد

خیلی ها این بیانیه را اگر مثل یک تورنسل بگیرید در مقابل احزاب و سازمانهای مختلف رنگهایش عوض خواهد شد و می بینید که خیلی ها راجع به این چیزها صحبت نمیکند الان. حرفی نمیزنند. اما اگر پس فردا اتفاقی بیافتد. مثلا در نقد مذهب، زبانشان لال است. یعنی این استراتژی را دارد که فردا اگر اتفاقی بیافتد و این جریان به قدرت برسد، هنوز میخواهد از مذهب استفاده کند. هنوز میخواهد

به خرافات متکی باشد. هنوز میخواهد بگوید جنگ است و کمربندها را محکم ببندید. نمیتوانیم به رفاه و به آزادی شما برسیم. فعلا باید در خدمت میهن و این حرفها باشیم. بنابراین، بنظر من این بیانیه اگر هر چه بیشتر با همین روشی که دارد پیش میرود بحث کنیم، تو خانه ها و در جمع ها، یک اطمینان خیلی بزرگی خواهد بود برای آینده ایران، که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، هر کسی که این بیانیه را به دستش میگیرد و با آن حکومتی را میسجد که میآید سر کار. حکومت باید اعلام کند که طب مجانی باید باشد، ترانسپورت مجانی باید باشد، مردم باید رفاه داشته باشند. آن جامعه هم بخاطر نیروی انسانی خودش و هم بخاطر ثروتی که دارد، واقعا این امکان را دارد که مردم زندگی آزاد، مرفع و خوبی داشته باشند. اگر باز یکی دیگر نیاید سر آن جامعه سوار بشود و بخواند با اتکا به همین مذهب و خرافات و چیزهای مختلف سرکوب بکند. این یک سند خیلی مهم برای آینده ایران است.

**کیوان جاوید:** خانم پاکروان پیامتان به کسانی که هنوز امضا نکردند چه هست؟  
**شعله پاکروان:** من حرفم این است که یکبار این بیانیه را بخوانید. اگر پدر و مادر هستید بخوانید و فکر نکنید که امضا شما اثر گذار نیست. بیست هزار، یک نفر یک نفر آمدند امضا کردند. الان تبدیل شده است به یک رودخانه جاری. چرا شما عضوی از این رودخانه نباشید، قطره ای از این رودخانه نباشید، پدر بزرگ ها، مادر بزرگ ها، پدرها و مادرها برای نسل بعدتان،

برای بچه هایتان و نوه هایتان شما نیاز دارید که همراهی را شروع کنید. بچه ها و نوه های شما اینقدر سختی ها در انتظار دارند اگر حکومت به همین شکل ادامه پیدا کند. اگر مخاطب من جوان باشد، دختر خودم، پسر خودم میگویم برای تضمین آزادی برای اینکه تو وقتی بیست و دو سالت شد، مثل صبا کردافشانی گرفتار نشوی به ۲۴ سال زندان. مثل سپیده قلیان زیر دست شکنجه گر نیافتی، برای خودت بیا اینرا امضا کن و برای خواهر و برادر کوچکترت. من از همه هموطنانم دعوت میکنم که نه تنها خودشان امضا کنند، بلکه اعضای خانواده و فامیل شان را تشویق کنند به امضای این بیانیه. به این دلیل که اگر ما شاهد رشد سریعتر این بیانیه باشیم، باور کنید مجبورند که رسانه ها درباره اش برنامه بگذارند. جمهوری اسلامی مجبور میشود این بیانیه را ببیند. مجبور میشود که توجه کند و چه بسا زودتر هم به ذباله دان تاریخ بیافتد.

**کیوان جاوید:** مینا احدی شما سخن و پیام تان با کسانی که این بیانیه را امضا نکردند، چه هست؟

**مینا احدی:** پیام من هم در ادامه پیام خانم پاکروان همین هست که این بیانیه مثل کودکی هست که الان بیست ساله شده و یک جوان رشید است و الان همه باید ببینندش، قبلا مثلا یواش یواش و در مجامع کوچک راجع بهش صحبت میشد که خوب بود که تا حالا پیش رفته ولی حالا این جوان رعنا را ببینید. و فراخوانم به جوانها در ایران به کسانی که در مدیای اجتماعی فعال

هستند و خیلی دستشان در این کار هست. مثلا جایی که پیامی میدهند و هزاران نفر آنرا می بینند این بیانیه را مطرح کنید. در جامعه ایران تلگرام، اینستاگرام و غیره نقش زیادی دارند اما تا حالا این بیانیه در مدیای اجتماعی در قامت خودش ظاهر نشده است. باید این کار را کرد که همه جا راجع به بیانیه آزادی صحبت بشود و فراخوان من این است که امضا کنید این بیانیه را. این واقعا یک سندی است که خیلی میتواند کمک کند، هم به رشد مبارزات و هم متحد شدن و افتادن جمهوری اسلامی به ذباله دان تاریخ. کمک مان خواهد کرد و به عنوان یک مساله سیاسی مهم میتواند توجه جامعه بین المللی را به خودش جلب کند و هم ما فشار بیاوریم به دولتهای اروپایی که دفاع از جمهوری اسلامی را از دست بکشند. از هر نظر که نگاه کنیم این بیانیه مهم است. و فراخوان من هم این هست که این بیانیه را بخوانید و وسیعا پخش اش کنید و امضا جمع کنید برایش.

**کیوان جاوید:** خیلی ممنون که در این میزگرد شرکت کردید.

**با تشکر از امیر توکلی  
برای پیاده کردن متن این  
مصاحبه.**

از صفحه ۵

## حکومتی که به هراس افتاده است

مبارزات، کارزاری است اجتماعی. این کارزار علیه قوانین و کل دم و دستگاه دستگاه قضایی و سرکوب حکومت اسلامی که مستقیما در خدمت سرمایه داری دزدسالار حاکم است. با این کارزار جامعه دارد از حقوق پایه ای خود و از آزادی و برابری و حق اعتراض برای داشتن یک زندگی انسانی سخن میگوید. با این کارزار و شعارهای اعتراضی ای چون دزدان بیرونند، کارگران زندانند، جامعه دارد کل بساط چپاول و دزدی سرمایه داری حاکم را مورد تعرض قرار میدهد. و این چنین است که جامعه دست به ریشه برده است و میگوید سرمایه داری نمیخواهد، خواستار لغو استثمار و پایان یافتن فاصله عظیم طبقاتی موجود است و با این گفتمان ها دارد از دنیای بهتر نوید میدهد. وسیعا به این کارزار بیوندیم و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی باشیم.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## تمام بازداشت شدگان هفت تپه باید آزاد شوند!

ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی بلافاصله بعد از روبرو شدن با اعتراضات علیه احکام سنگین زندان و شلاق برای اسماعیل بخشی و دیگر دستگیر شدگان هفت تپه دستور تجدید نظر در مجازاتهای سنگین برای کارگران را داده است. این عقب نشینی و ولوله ای که در میان حکومتیان افتاده بیانگر فضای جامعه ای است که در مقابل حکومت منفور اسلامی محکم ایستاده است و در صفوف آن تشنت و گیج سری ایجاد کرده است.

اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران امروز بطور واقعی یک فرد نیست. یک جنبش است. او صدای طبقه کارگر آگاه و مردم این جامعه است. دستگیری و شکنجه اسماعیل بخشی و محکوم کردنش به زندان و شلاق یک گستاخی آشکار حکومت و دهن کجی به کل کارگران و مردم این جامعه است و جامعه در مقابل آن ساکت نبوده و ساکت نخواهد ماند. حداقل کاری که حکومت اسلامی و قوه قضائیه اش در برابر مردم باید انجام دهد آزادی فوری اسماعیل بخشی و تمام حامیان کارگران هفت تپه و لغو تمام پرونده های امنیتی علیه آنهاست. دفاع از حقوق کارگران در برابر سرمایه داران مفتخور و نیروهای سرکوبگر جرم نیست. زندانی کردن کارگران معترض جرم است.

حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و تمام دستگیر شدگان هفت تپه تاکید میکند. پرونده های امنیتی علیه فعالین اجتماعی باید تماما لغو شود و تمام دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی آزاد شوند.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۸ شهریور ۹۸

۹ سپتامبر ۲۰۱۹



انسانیت را نمایندگی کردن و علیه حکومت اسلامی و برای سرنگونی آن تلاش کردن. من در عین حال از کنفرانس سه روزه هومانیتها در هامبورگ، به برلین امدم و در آنجا نیز نمایندگان سکولار احزاب آلمانی را ملاقات کردم و از ضرورت اعتراض علیه حکومت اسلامی حرف زدیم. در مورد این هفته پر از تلاش و موفقیت بعدا مفصل تر خواهیم نوشت.

بیلد و رسانه های آلمانی این برنامه مهم را پوشش خبری داده اند. در یک مصاحبه مفصل با من بیلد تیتراژه زده مینا احدی از دولت آلمان میخواهد جمهوری اسلامی ایران را بایکوت سیاسی کند و در یک مقاله دیگر نوشته پنج قهرمان آزادی در پارلمان مورد احترام قرار گرفتند.

لینک های مربوطه

<https://tinyurl.se/1DC>

<https://tinyurl.se/1DB>

فعالین مدافع حقوق زنان صحبت کردم و همچنین در مورد ممنوعیت قانونی حجاب کودکان در آلمان و کمپین نه به آپارتاید جنسیتی در ایران با آنها حرف زده و خواهان پشتیبانی آنها از این اقدامات شدم.

در این برنامه که با حضور ۱۵۰ نفر بود، با رسیدن نماینده معترضین از هنگ کنگ، یکی از مسئولین نشریه بیلد پشت میکروفون قرار گرفت و گفت این برنامه برای ادای احترام به فعالین مدافع حقوق انسانی است کسانیکه در بدترین شرایط برای انسانیت فعالیت میکنند و ما پنج نفر را معرفی کرد و سپس خبرنگاران و عکاسان حاضر در محل عکس و گزارش تهیه کردند. این برنامه برای من بسیار مهم بود و تنها ایرانی حاضر در مراسم که از یک شرکت آلمانی آمده بود، بمن گفت شما مردم ایران را نمایندگی میکنید و مهم است در این سطوح و با مهمترین چهره ها و دست اندرکاران سیاست،

صحبت کنم. با وزیر امور خارجه آلمان هایکو ماس در مورد ایران و سیاست دولت آلمان صحبت کردم، با وزیر دفاع، وزیر زنان، وزیر کشاورزی آلمان با رهبر حزب چپ و با سفرای آمریکا و اسرائیل صحبت کردم و همچنین با چند رسانه حاضر در محل مصاحبه کردم.

روزنامه بیلد گزارش مفصل این برنامه مهم را با عکسهای تک تک ما پنج نفر حاضر در برنامه، چون Ai Wei, Wei از چین نتوانست بیاید، منتشر کرده است. ما پنج نفر بدلیل ابراز همبستگی با مبارزات مردم هنگ کنگ یک عکس دسته جمعی با چترهای که در دست گرفته بودیم، منتشر کردیم و با این حرکت همبستگی خودمان را با مردم و جوانان هنگ کنگ اعلام کردیم. من در گفتگوهایم با سیاستمداران آلمانی در مورد رفتار سرکوبگرانه حکومت اسلامی بر علیه کارگران و زنان و احکام چندین ساله حبس برای فعالین کارگری و

## روزنامه بیلد: مینا احدی از دولت آلمان میخواهد جمهوری اسلامی ایران را بایکوت سیاسی کند

گزارشی از مینا  
احدی در باره حضور  
در مهمانی روزنامه  
بیلد

اخیرا دعوت نامه ای گرفتم برای حضور در برنامه ای با عنوان بیلد ۱۰۰ که از طرف روزنامه بیلد سازمان می یابد. در برنامه امسال (دوشنبه ۹ سپتامبر در محل تالار مهمانی پارلمان آلمان) از شش نفر فعالین سرشناس مدافع حقوق انسانی از هنگ کنگ، ایران، سوریه، اوکراین و روسیه و چین دعوت کرده بودند که در مراسم باشند. Chodorkovsky, Ai Wei, Wei و Klitschkos, سیاستمداران و چهره های هنری و ورزشی و بسیاری دیگر دعوت شده بودند در این مراسم و مهمانی شرکت کنند. رهبر اعتراضات هنگ کنگ، Joshua Wong، وان ۲۲ ساله وقتی قصد سفر به برلین را داشت در فرودگاه دستگیر شد و با اقدامات اعتراضی از آلمان او را آزاد کردند و ساعت ۱۱ شب او به مراسم رسید. در این برنامه توانستم با تعداد زیادی از وزرا و مسئولین احزاب آلمانی و از جمله حزب سبز، سوسیال دمکرات، حزب چپ و سوسیال مسیحی از نزدیک

# بیانیه آزادی

دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۱۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب

۱۳- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت

۱۴- رفع هر گونه تبعیض علیه همجنسگرایان و کلیه شهروندان با هر نوع گرایش و تمایل جنسی.

۱۵- قطع فوری حمایت‌های مالی و نظامی از نیروها و دولتهای اسلامی و تروریستی و تنش زدائی و برقراری روابط مسالمت آمیز با همه کشورها

این بیانیه اتحاد مردم برای آزادی است. آنرا امضا کنید و امضای آنرا به دوستانتان پیشنهاد کنید.

برای امضای بیانیه نام خود را به این کانال تلگرام بفرستید:

BayaneyehAzadi@

برای دیدن کل امضاها و روند پیشرفت بیانیه آزادی میتوانید عضو کانال تلگرام زیر شوید:

<https://telegram.me/BaneyehAzadi>

ما امضا کنندگان این بیانیه عاجل ترین و فوری ترین خواست مردم ایران را تحقق اهداف زیر میدانیم و همه مردم معترض را به مبارزه برای تحقق این اهداف فرامیخوانیم.

۱- خاتمه بخشیدن به فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و افزایش فوری دستمزدها و حقوقها متناسب با سطح هزینه ها

۲- تامین طب و بهداشت و تحصیل رایگان برای همگان

۳- آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی

۴- لغو مجازات اعدام

۵- لغو قانون قصاص و ممنوعیت شلاق و سنگسار و تعزیر و دیگر اشکال شکنجه

۶- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی و کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان

۷- انحلال همه نهادها و نیروهای امنیتی و سروبوگر

۸- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش

۹- آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۱۰- پیگرد و محاکمه آمرین و عاملین جنایات علیه مردم از جمله کشتارهای دهه شصت، قتل‌های زنجیره ای، و ترور چهره های اپوزیسیون در داخل و خارج

۱۱- مصادره اموالی که مقامات و موسسات از راه

آپارتاید نژادی از غیر انسانی ترین و زشت ترین جلوه های جهان ماست. آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی در نتیجه مبارزات مردم این کشور و حمایت گسترده مردم جهان در هم شکست. آپارتاید جنسیتی نیز باید در هم شکسته شود. مبارزه علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و آپارتاید جنسیتی در داخل با جلب حمایت بین المللی میتواند ضربات کارسازی را بر ستون های حکومت ضد زن وارد کند و کمک کند تا زودتر کل بساط ارتجاع حاکم اسلامی از جامعه جارو شود.

از اینرو کارزار "دیگر بس است" که اخیرا علیه آپارتاید جنسیتی در ایران توسط ده ها نفر از مدافعین سرشناس حقوق زنان ایران براه افتاده است و در میان آنها چهره های بین المللی و موثر دیده میشود بسیار با اهمیت است.

مرگ سحر خدایاری همه مردم را تکان داده است. تک مردم ایران از این جنایت به خشم آمده اند و چیزی کمتر از سرنگونی حکومت توحش اسلامی سرمایه داران و محاکمه سران آن مردم را راضی نخواهد کرد. اینکه چه روزی جامعه علیه حاکمین دزد و مرتجع و جنایتکار تماما بپا خیزد معلوم نیست، اما کل اوضاع جامعه نشان میدهد که چنین روزی دور نیست. و در آن روز نام سحر خدایاری بعنوان دختری که قربانی توحش حکومت شد مردم در سراسر این کشور گرامی خواهند داشت.\*



## خلیل کیوان سحر در آتش آپارتاید جنسیتی سوخت

سراسیمه دستگاه تبلیغاتی، اطلاعاتی، قضایی و امنیتی خود را برای کنترل و پس زدن این موج بکار گرفته است و از ارسال پیامک به روزنامه ها و برحذر داشتن آنها به پرداختن به این موضوع، تا داستان سرایی در باره علت مرگ سحر و نمایشات تلویزیونی و غیره به مقابله برخاسته است. فیفا که هر بار با انتقادات نیم بند خود التیماتوم های توخالی به جمهوری اسلامی داده است اینبار اعلام کرده است که هیئتی را برای بررسی حضور زنان در استادیوم ها به ایران خواهد فرستاد.

ایران تنها کشوری در جهان است که درب استادیوم های ورزشی آن بروی زنان بسته است. سحر قربانی همین مساله شد. این قانون ارتجاعی و عقب مانده و تبعیض آمیز باید ملغی شود. فیفا باید تحت بیشترین فشارها برای مقابله و عکس العمل قرار داده شود. در صورت عدم لغو این قانون و دیگر مقررات ضد زن در میادین ورزشی، ورزش ایران باید بایکوت شود. باید فشار حداکثری بر فیفا و حکومت آپارتاید جنسیتی را در دستور گذاشت. نباید اجازه داد از کنار این واقعه بگذرند.

آپارتاید جنسیتی همانند

شعله های آپارتاید جنسیتی سحر را بکام خود کشید. آتشی که جان دختر آبی را گرفت شعله های همان آتشی است که چهل سال است برافروخته شده و جان و زندگی زنان و همه مردم را در کام خود گرفته است. سحر یکی از قربانیان آتش آپارتاید چهل ساله است.

مرگ سحر خدایاری تلنگری شد که یکبار دیگر توجه جامعه و افکار عمومی در بعد وسیعی متوجه مساله زن و آپارتاید جنسیتی در ایران گردد. مباحثات بسیاری در مدیای اجتماعی در این رابطه در جریان است. مطبوعات فارسی بین المللی به آن پرداخته اند. شخصیت های ورزشی و غیره به این واقعه عکس العمل نشان داد ه اند. موجی از خشم علیه قوانین ضد زن اسلامی و بویژه علیه ممنوعیت حضور زنان در استادیوم ها براه افتاده است. ابراز نفرت از قوانین ضد زن و همبستگی با زنان ایران از گوشه و کنار جهان، از سوی شخصیت های ورزشی زن از سوئد و اسپانیا و غیره تا تماشاگران بازی فوتبال ایران- هنگ کنگ فقط گوشه ای از این نفرت و اعلام همبستگی را نشان میدهد.

حکومت اسلامی



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

از صفحه ۱

## مجازات سنگین علیه بخشی و حامیان هفت تپه از وحشت حکومت است

اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه: ۱۴ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق، سپیده قلیان: حامی کارگران هفت تپه و کسی که در اعتراض به زندان و شکنجه کنار بخشی ایستاد، ۱۹ سال و ۶ ماه زندان، امیرحسین محمدی فردسر دبیر نشریه گام و غسل محمدی ساناز الله یاری و امیر امیر قلی سه همکار دیگر این نشریه: ۱۸ سال زندان، محمد خنیفر کارگر هفت تپه: ۶ سال زندان.

گناه این زندانیان اعتراض به دزدی از حقوق کارگران است. گناهشان دفاع از ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق کارگران است. آن کله خشک‌هایی که با احکام سنگین و شنیع زندان و شلاق کارگران و فعالین اجتماعی را به زندانهای

طویل‌المدت محکوم میکنند و تصور میکنند که از این طریق میتوانند حکومتشان را نجات دهند خیلی زود متوجه خواهند شد که اشتباه مهلکی میکنند. همه دیکتاتورها در آستانه سرنگونی آخرین زورشان را میزنند و پرونده دست اندرکارانش را در پیشگاه مردم سنگین تر میکنند. اسماعیل بخشی یک فرد نیست. یک جنبش است. او صدای جنبش شورایی و طبقه کارگر است. او در قلب همه کارگران و مردم جای دارد. با احکام سنگین زندان طبقه کارگر نه فقط ساکت نمیشود بلکه مصمم تر از قبل برای خلاصی از شر حکومت ارتجاع سرمایه داران به پیش میرود. سپیده قلیان و دیگر حامیان هفت تپه نیز در قلب مردم جای دارند و جمهوری اسلامی و قضات مرتجع و سفیه آن میدانند که با این احکام کار بجایی نخواهند برد. اما زورشان را میزنند و با تعفن پراکنی نفرت و انزجار

عمومی را شدت می بخشند. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم شریف را به اعتراض به هر شکل ممکن به این احکام وحشیانه فرا میخواند. با اعتراض، با اعتصاب با خبر رسانی، با گسترش مبارزات، با پژواک صدای جنبش شورایی و به هر شکل ممکن باید جانیان حاکم را زیر فشار قرار دهیم. میتوانیم در زندان ها را باز کنیم. میتوانیم کاری کنیم که قضات و دست اندرکاران حکومت کثیف اسلامی سرمایه داران، از کرده خویش پشیمان شوند.

## زنده باد اسماعیل بخشی! زنده آزادی، برابری حکومت کارگری!

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱۱۶ شهریور ۹۸،  
۷ سپتامبر ۲۰۱۹

## از صفحه ۱ نگ و نفرت بر حکومت اسلامی و آپارتاید جنسیتی اش

مرگ این دختر جوان برای همه مردم تکان دهنده است. سوال اینست که چرا در قرن بیست و یکم زنان و دختران باید برای حقوق ساده و بدیهی ای مثل حق تماشای ورزش با فشار و زندان مواجه شوند؟ چرا این دختر جوان به دلیل ورود به استادیوم ورزشی به زندان محکوم گردد؟ این آپارتاید و جداسازی جنسیتی عهد عتیقی و نفرت انگیز چرا باید بر زندگی مردم حاکم باشد؟

اینها و هزاران سوال دیگر را همه مردم و بویژه زنان و دختران می پرسند و به حکومت کثیف اسلامی که زندگی را بر مردم سیاه و تلخ کرده، لعن و نفرت نثار میکنند. شرم بر شما جنایتکاران حاکم از خامنه ای تا روحانی و سایر اوباشی که ۴۰ سال است همه پلیدی ها و کثافت ها، همه افکار ارتجاعی و پوسیده تان را قانون کردید و با سرکوب و جنایت هر روزه بر جامعه حاکم کردید. شرم بر تک تک نمایندگان مجلس و تک تک وزرای حال و گذشته این حکومت، شرم بر تک تک آیت

الله های مفتخور، شرم بر همه حامیان ریز و درشتتان که سحر خدایاری را هم کشتید. مطمئن باشید که خشم مردم از اینهمه جنایت، از آپارتاید جنسی و زن ستیزی تان، از اینهمه دزدی و فساد مقامات و آیت الله هایتان، از فقر و محرومیت و ظلم و سرکوب هر روزه تان، از احکام جنایتکارانه تان علیه شریف ترین فرزندان مردم، و از همه ریاکاری ها و افکار و عقاید منحجرتان بزودی منفجر خواهد شد و اثری نه از آپارتاید جنسی تان باقی خواهد گذاشت، نه از هیچکدام از قوانین تان و نه از حکومتتان. خشم و نفرتی که هر روز بیشتر در قلب مردم تلنبار میشود این بار به انقلابی عظیم منجر میشود که به بساط ظلم و جنایت ۴۰ ساله تان پایان خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری جان باختن سحر خدایاری را صمیمانه به خانواده و دوستان و بستگانش و به همه مردم تسلیت میگوید. یاد سحر خدایاری گرامی باد.

نابود باد جمهوری اسلامی  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱۹ شهریور ۱۳۹۸،  
۱۰ سپتامبر ۲۰۱۹

## اول ماه مهر و بازگشایی مدارس

اول مهر فرا می‌رسد و مدارس بزودی باز می‌شود. از مجموع ۲۰ میلیون کودکی که باید به مدرسه بروند کمی بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز می‌توانند راهی مدرسه شوند. آنهم در شرایطی که بیش از هر وقت دیگر دسترسی به امکانات آموزشی گرانتر از همیشه است. بازگشایی مدارس به جای آنکه به یک شادی و خوشحالی عموم جامعه بدل شود برای بخش اعظم جامعه به یک مصیبت و جدال برای تأمین مخارج تحصیلی و باج و خراج شهریه و پرداخت هزینه سنگین وسایل تحصیل بدل شده است. میلیون‌ها کودک نیز بدلیل شهریه و هزینه‌های سرسام‌آور وسایل تحصیل و فقر خانواده از

رفتن به مدرسه و تحصیل محروم هستند. آموزش و پرورش تحت حکومت جمهوری اسلامی، محلی برای دخالت سازمان‌یافته دستگاه‌های امنیتی و عقیدتی جمهوری اسلامی شده است و خرافه مذهب جای استانداردهای علمی در کتابهای درسی را گرفته است.

هزینه‌هایی که باید صرف آموزش رایگان، تجهیزات کامل آموزشی، ساختمان‌های امن و با کیفیت و تأمین حقوق معلمان برای یک زندگی شایسته انسانی بشود، صرف اختلاس‌های نجومی و دزدی مقامات و آیت‌الله‌ها و دم و دستگاه تحمیق مذهب و روانه کردن گله آخوند به مدارس، صرف سرکوب مردم، صرف جریان‌ات تروریستی اسلامی در منطقه و تأسیسات اتمی و نظامی

می‌شود. در چنین شرایطی اول مهر کودکان وارد مدارس ناامن، فاقد ابتدایی‌ترین امکانات تحصیلی و سیستم آموزشی بشدت عقب‌مانده، عبوس، مملو از خرافه و جعلیات مذهبی و فضایی پادگانی می‌شوند با معلمانی که با دستمزدهای چندبرابر زیر خط فقر قادر به تأمین ساده‌ترین نیازهای زندگی خود نیستند.

در مقابله با این وضعیت جهانی، معلمان به ویژه در سالهای اخیر با نمایندگی کردن خواست‌های کل جامعه در زمینه آموزش رایگان و پایان دادن به کالایی کردن آموزش، آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به اذیت و آزار معلمان به میدان آمده‌اند و امسال نیز با اعلام کارزار بازگشایی مدارس، به استقبال اول مهر می‌روند. آموزش و پرورش رایگان، شاد و انسانی در همه سطوح، پایان

دادن به کالایی کردن و خصوصی سازی آموزش، کوتاه کردن دست مذهب از آموزش و پرورش، خاتمه دادن به فضای پادگانی در مدارس و آزادی معلمان زندانی خواست میلیون ها خانواده دانش آموز است و جدالی وسیع در جامعه حول این خواست‌ها جریان دارد.

مردم شریف و آزادیخواه، خانوادها  
کارد به استخوانمان رسیده است. دیگر بس است! این وضعیت اسفبار شایسه کودکان ما نیست. به فراخوان‌های اعتراضی معلمان پیبوندید و سال تحصیلی جدید را به سال اتحاد

معلمان و خانواده‌ها تبدیل کنید. همه خانواده‌ها دست معلمان مبارز، به صف اعتراض برای تغییر وضعیت فاجعه بار آموزشی و به صف مبارزه برای یک آموزش و پرورش شاد و انسانی و پایان دادن به دستگیری و اذیت و آزار معلمان پیبوندید.  
آموزش شاد و رایگان و غیر مذهبی حق همه کودکان است! معلمان زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند!  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱۸ شهریور ۱۳۹۸،  
۹ سپتامبر ۲۰۱۹

## اعتراض علیه عاشورای جمهوری اسلامی در تورنتو! هر تحرک جمهوری اسلامی در کانادا با اعتراض قدرتمند ما مواجه خواهد شد!

امسال برای سومین سال متوالی عاشورای دولتی حکومت اسلامی در تورنتو را به میدانی برای افشاگری علیه رژیم اسلامی تبدیل کردیم.

به فراخوان حزب کمونیست کارگری-واحد کانادا، رادیو پیام کانادا و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تجمع اعتراضی از ساعت ۸ صبح در میدان مل لستمن آغاز شد. از همان اول صبح، با شعارهایی مثل "مرگ بر جمهوری اسلامی" با بلندگوهای بسیار قوی پیام روشنی به مزدوران حکومت اسلامی در تورنتو دادیم که هر جای شهر به هر بهانه ای سر و کله شان پیدا شود با اعتراض ما کمونیستها و آزادخواهان روبرو خواهند شد!

سال قبل، در نتیجه اعتراض قدرتمند کمونیستها و مخالفین جمهوری اسلامی، عاشورای دولتی این رژیم، در خیابان اصلی یانگ - خیابان شلوغی که برای ابراز وجود سیاسی مذهبی حکومت اسلامی اهمیت زیادی دارد - امکان ابراز وجود پیدا نکرد و فقط در مسیر بسیار کوتاهی از این خیابان طولانی سرو کله شان پیدا شد. امسال حتی از آن مسیر کوتاه هم محروم شدند و توسط پلیس از مسیر فرعی به پارک پشت پلازای ایرانیان هدایت شدند در حالیکه ما معترضین در نزدیکی پلازای ایرانیان تظاهراتمان را در خیابان اصلی یانگ ادامه دادیم. این یک شکست دیگر برای جمهوری اسلامی و مضحکه سیاسی - مذهبی اش بود. ما نخواهیم گذاشت هیچ جایی از تورنتو به محل ابراز وجود حکومت جنایتکار اسلامی تبدیل شود.

در حالیکه تظاهرات ما مخالفین با فاصله کوتاهی از مضحکه عاشورای حکومتی جریان داشت، یک تراک تبلیغاتی-دیجیتالی که توسط تشکیلات کانادای حزب سازمان داده شده بود، در خیابان پرجمعیت یانگ بسیار آهسته حرکت میکرد که به مدت هفت

ساعت، از طریق سه صفحه بزرگ دیجیتالی در سه طرف این تراک، عکسها، کلیپهای صوتی و تصویری از اعتراضات چند سال گذشته علیه عاشورای دولتی منظمًا پخش میشد و جنایات رژیم اسلامی به دو زبان فارسی و انگلیسی افشا میشد. این تراک همچنین بارها در مجاورت صف عاشورای دولتی رژیم حرکت کرد و سخنرانها و شعارهای ضد حکومت اسلامی را به نمایش گذاشت. همزمان از طریق یک موتورسیکلت با بلندگوهای قوی شعار داده میشد و یا شعارهای آکسیون را بازپخش میکرد. در طول تظاهرات تعداد وسیعی از اطلاعیه تشکیلات کانادای حزب علیه عاشورای دولتی به زبان های فارسی و انگلیسی در میان مردم پخش شد.

جدا از این تظاهرات اعتراضی، تعداد دیگری از فعالین و سازمانهای چپ هم از ده صبح در پلازای ایرانیان تجمع کرده بودند و علیه رژیم اسلامی و عاشورای دولتی اعتراض میکردند.

امسال با حضور اعتراضی قدرتمندمان در مقابل عاشورای دولتی، یک بار دیگر این مراسم مذهبی - سیاسی حکومت اسلامی را به محلی برای افشای جنایات این حکومت تبدیل کردیم و اعلام میکنیم، همراه و همقدم با کارگران و زنان و جوانان و مردم معترض ایران که یک لحظه هم از مبارزه علیه جمهوری اسلامی باز نایستاده اند، ما هم با هر تحرک این حکومت در هر گوشه خارج کشور مبارزه خواهیم کرد.

**سرنگون باد جمهوری  
اسلامی ایران!**

**حزب کمونیست کارگری  
ایران - واحد شرق کانادا**

e=youtu.be  
کلیپ صوتی و تصویری که  
از طریق صفحه دیجیتالی  
کامیون مورد اشاره پخش  
میشد:  
h t t p s : / /  
www.youtube.com/  
w a t c h ?  
v=rcY14oEHR4E&featur  
e=youtu.be

v=Fx0GcF6UtPo&feature  
=youtu.be

قسمت دوم: تجمع در  
پلازای ایرانیان

h t t p s : / /  
www.youtube.com/  
w a t c h ?  
v=jh4fyTHE3Xw&featur

۱۹ شهریور ۱۳۹۸  
۱۰ سپتامبر ۲۰۲۹  
لینک لحظاتی از این  
اعتراض به عاشورای دولتی:  
شروع برنامه در میدان مل  
لستمن و حرکت به سمت  
پلازای ایرانیان:  
h t t p s : / /  
www.youtube.com/  
w a t c h ?

